

فدائی

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

دوره دوم - سال اول - بهمن ماه ۶۳

شماره ۸

مصاحبه با رفیق ایرج نیری

درگرمی داشت حماسه سیاهکل

رژیمی

**که خود فاسد است
نمی تواند
با فساد مبارزه کند**

مدتهاست که فساد مالی و اداری در درون ارگانها و نهادهای حکومتی و روابط میان آن و بخش خصوصی بیداد می کند. برپاشدن "رشوه خواری" دو میلیارد ریالی در شهرداری شیراز" (آنهم میزانی که تا کنون برپلا شده)، فساد حاکم بر روابط خاموشی ها و پورااستادها با دستگاه دولتی، بقیه در صفحه ۶

در ۱۹ بهمن ۴۹ در سخت ترین شرایط حاکمیت دیکتاتوری رژیم ننگین شاه، گروه کوچکی از انقلابیون جان برکف با ایمان استوار به آرمان والای کمونیسم و با هدف رهائی خلق از زیر ستم امپریالیسم جهانی و رژیم دیکتاتوری شاه خائن، پرچم مبارزه انقلابی را بر فراز بام میهن برافراشتند. آرمان حماسه آفرینان سیاهکل، استقلال و آزادی ایران، نابودی ستم و استثمار و پیروزی سوسیالیسم بود.

حماسه سیاهکل، بی تردید، نقطه عطفی در جنبش کمونیستی و در کل جنبش ترقیخواهانه ایران محسوب می گردد. در شرایطی که فرمیسم و انفعال بر فضای مبارزات سیاسی سالهای دهه ۴۰، حاکم شده بود، حماسه سیاهکل، انرژی انقلابی عظیمی بقیه در صفحه ۴

درسهای از انقلاب

از آن روزی که جنبش انقلابی توده ها و کارگران سراسر ایران در اوج جوش و قدرت، ماشین مخوف سرکوب را زیر پا له کرد و دیکتاتوری شاه را واژگون ساخت شش سال می گذرد. این خیزش عظیم که اکثریت قاطع مردم را دربر میگرفت و در تاریخ ایران به لحاظ وسعت و قدرت سطح جنبش و اهداف آن با هیچیک از جنبشهای توده ای و انقلابی گذشته قابل مقایسه نبود، درسهای بزرگی با خود داشت. طبقه کارگر، سایر طبقات و همه جبهات سیاسی در جریان جنبش انقلابی ۵۷، در روزهای داغ قیام و در تحولات پس از آن با فشرده ای از درسهای متعدد و تجارب بیشمار آشنا شدند که در شرایط معمول برای درک آن دهها سال وقت لازم بود و تازه برخی از این درسها را فقط در جریان تحولات انقلابی می توان آموخت. اغلب این درسها در انقلابات سایر کشورها و جنبشها مطرح شده اند. با این همه درک عمیق آن تنها با خواندن تجارب دیگر کشورها آسان نبود. فقط با قرار گرفتن در متن انقلاب بود که می شد به گونه ای عمیقانه و عمیق آن را آموخت. در این جا جنبه های از مساله رهبری، این مهمترین درس انقلاب را توضیح می دهیم.

رهبری مهمترین درس انقلاب

انقلاب بهمن و رویدادهای پس از آن، در جریان مبارزات طبقاتی حاد، گسترده و نسبتاً طولانی، به فعالان طبقه کارگر و به انبوه پیروان و کادرهای جریانات ترقیخواه ایران آموخت که مساله رهبری مساله کلیدی هر جنبش انقلابی است و اساساً هر جنبشی را قبل از هر چیز از توان رهبری آن می توان مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد. این مساله که رهبری چگونه در صورت حضور فعال و اتخاذ تاکتیکهای درست و به موقع می تواند کسب گردد و کدام رهبری می تواند هدف انقلاب را متحقق گرداند درسهای بودند که مردم و احزاب سیاسی به میزان بیسابقه ای در جریان جنبش انقلابی ۵۷ و رویدادهای بعدی با آن آشنا شدند. این توهم فرمیستی که بدون رهبری طبقه کارگر، جنبش انقلابی قادر خواهد بود به خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد و اپورتونیسم راست مبلغ آن بود، یکبار دیگر در تجربه مشخص انقلاب ایران ورشکستگی خود را از همه لحاظ برملا ساخت.

کارگران و کمونیستهای ایران به چشم خود دیدند و آموختند که طبقه کارگر ایران در جریان اعتصابات سراسری خود بزرگترین ضربات سیاسی و اقتصادی و روانی را به رژیم وارد ساخت. اما از آنجا که از رهبری سیاسی خاص خویش محروم بقیه در صفحه ۲

به مناسبت سالگرد درگذشت لنین

لنین در حال کار

شخصیت لنین بمتابه تکامل دهنده خلاق آموزش مارکس و انگلس، بمتابه سازمانده حزب بلشویک - حزبی که ۲۵ سال پس از تشکیل و ۱۴ سال پس از اولین کنگره اش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به پیروزی رساند - بمتابه رهبر طبقه کارگر روسیه و جهان، بمتابه بنیانگذار اولین دولت سوسیالیستی، و بعنوان تجسم شاخص یک رهبر کمونیست و انسان طراز نوین، چنان برجسته و همه جانبه است که می تواند و باید در همه عرصه ها منشاء الهام و نیروی عظیم برای

کمونیستهای همه کشورها باشد. گرامی داشت واقعی خاطره لنین و ارچگذاری حقیقی به کار عظیم او، تنها از طریق پای بندی عمیق و پیگیر به آموزش مارکسیسم - لنینیسم و تکامل پیوسته آن، از طریق تلاش برای یکارگیری شیوه برخورد و روش کار وی امکانپذیر است. بکوشیم تا هر چه بیشتر در رده چنین کسانی باشیم.

آنچه می خوانید مقاله ای است که میخائیل ایروشنیکوف، دکترای علوم تاریخ، درباره بعضی جوانب سبک کار و فعالیت لنین نوشته است. بقیه در صفحه ۳

★ خاطره رفیق قاسم سیادتی گرامی باد

صفحه ۳

به یاد شهدای خلق

★★ خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان

صفحه ۸

دوری بنهدان

سالگرد جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد

صفحه ۸

کنفرانس سراسری علمی کار بردی در اتحاد شوروی

صفحه ۹

درس‌هایی از ...

بقیه از صفحه اول

بود و به صورت يك طبقه مستقل در انقلاب شرکت نداشت نه تنها نتوانست رهبری انقلاب را به دست گیرد بلکه به خاطر ضعف تشکل و رهبری سیاسی، آنچه را که در جریان مبارزات چندماهه پیش از انقلاب بهمن به دست آورده بود نیز گام به گام از دست داد.

بزرگترین ضعف انقلاب بهمن، رهبری آن بود. انقلاب تقریباً تمامی کارگران و زحمتکشان، همه استقلال‌طلبان و آزادیخواهان و بطور کلی اکثریت عظیم ملت را به صحنه آورد. توده‌های مردم بویژه زحمتکش‌ترین و محروم‌ترین آنان با تمام وجود در انقلاب شرکت کردند، سینه‌های پرکینه و پر از امید خود را سپر "تاک، توپ، مسلسل"‌های سرمایه‌داران و رژیم پادشاهی مدافع آنان ساختند. آن‌ها همه هستی خود را برای انقلاب در گرو گذاشتند تا آرزوی دیرینه استقلال ملی، دموکراسی و برانداختن استثمار و ستم را متحقق سازند. اما نیرویی که در راس جنبش انقلابی قرار گرفت، اولاً بنا به ماهیت طبقاتیش در مبارزه علیه سرمایه‌داران و پاسخوئی به ابتدائی‌ترین خواسته‌های انقلاب از آغاز دچار تردید و تزلزل بود. ثانیاً به دلیل تلفیق ماهیت طبقاتی خرده‌بورژوازی این نیرو با ویژگی‌های تند مذهبی آن شدیداً ضد دموکرات بود. به این دلایل و نیز به خاطر افت جنبش توده‌ای و ضعف نیروهای ترقیخواه در پیشبرد مبارزه‌ای هماهنگ علیه اقدامات و سیاست‌های رژیم، حکومت جمهوری اسلامی در سرانحسب استحاله قرار گرفت و به رژیمی تماماً ضد خلقی تبدیل گشت. و نتیجتاً به هیچ يك از اصلاحاتی که خواسته شده‌ها بود نتواند، به سرکوب زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه متوسل شد، گام به گام به الزامات ساخت سرمایه داری وابسته تن داد، به توده‌های انقلابی در همه عرصه‌ها خیانت کرد و از ترس انتقام توده‌ها دسته دسته مخالفان و فرزندان انقلاب را به جوخه اعدام سپرد و همه آنچه که طبقه کارگر و توده‌های خلق در جریان انقلاب کسب کرده بودند، از آنان باز ستاند.

شش سال پس از انقلاب بهمن اینک در نتیجه ضعف و ناتوانی نیرویی که در جریان اوچگیری جنبش انقلابی در راس توده‌ها قرار گرفت، زندگی طبقه کارگر و توده‌ها حتی بسیار رقت‌بارتر از دوره پیش از انقلاب است.

اگر انقلاب بهمن تحت رهبری طبقه کارگر قرار می‌گرفت توده‌های شرکت کننده در انقلاب بهمن امروز حتی بیش از آنچه در شعارهای انقلابی خود می‌خواستند به دست آورده بودند. و یا اگر طبقه کارگر با وجود هرگونه خرده‌بورژوازی بر جنبش از قدرت تشکل و رهبری سیاسی منسجم و نیرومندتری برخوردار بود و در پائین به مبارزه متشکل علیه سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی دست می‌زد، رژیم جمهوری اسلامی هرگز نمی‌توانست به آسانی دستاوردهای انقلاب را از دست کارگران و زحمتکشان بیرون آورد و آنان را در موضع امروز قرار دهد. رهبری چگونه تامین می‌شود؟

- انقلاب بهمن نشان داد که نخستین شرط

کسب اعتبار و ثقل در جنبش و هموار کردن راه برای رسیدن به جایگاه رفیع رهبری موضع قاطع علیه رژیم حاکم (دشمن) و مبارزه علیه آن به ویژه در زمان رشد جنبش خودبنمودی و اعتلای انقلابی است. خمینی و روحانیون پیرو او با برافراشتن علم مبارزه علیه رژیم شاه در سالهای ۴۲-۴۰، در شرایطی که جبهه ملی راه تسلیم در پیش گرفته بود و طبقه کارگر اصولاً نماینده‌ای در عرصه مبارزه نداشت و حزب توده نیز بر اساس ماهیت رفرمیستی‌اش تحولات آن سالها را "مثبت" ارزیابی می‌کرد در راس جنبش توده‌ای این دوره قرار گرفت و بدین ترتیب در آن زمان گام اول را در جهت کسب رهبری جنبش آینده برداشت.

فدائیان با ایدئولوژی طبقه کارگر و مجاهدین با مبانی عقیدتی اسلامی (تشیع) در دهه آخر عمر رژیم مبارزه خود را آغاز کردند و علیرغم فقدان يك تشکیلات سراسری به برکت موضع قاطع در قبال رژیم و پیشبرد مبارزه‌ای انقلابی علیه آن و شرکت در قیام، پس از انقلاب بهمن به دو نیروی بزرگ توده‌ای در سطح کشور تبدیل شدند. میتینگ ۱۴ اسفند احمدآباد که این دو نیرو برگزارکنندگان اصلی آن بودند و نخستین میتینگی بود که جنبه اعتراضی به رژیم جدید و دولت موقت را داشت صدها هزار نفر از مردم و هواداران این دو نیرو را از تهران به احمدآباد کشاند و رشد بیسابقه این دو جریان را به نمایش گذاشت. و این درحالی بود که جریان‌های متعلق به جبهه ملی و یا حزب توده که قوی‌ترین نیروهای سیاسی دهه ۴۰ بودند در نتیجه سیاست‌های تسلیم‌طلبانه و دنباله‌روانه خود به جریاناتی کوچک که اساساً در آن زمان مطرح نبودند تبدیل شدند.

- اما خمینی و طرفداران او صرفاً به خاطر موضع مخالف در برابر شاه در جریان جنبش ۵۷ و نیز سابقه و ذهنیتی که در سالهای ۴۲-۴۰ در توده‌ها ایجاد کرده بودند، نبود که رهبری جنبش را به دست گرفتند. تکیه آنها به يك تشکیلات سراسری که همان شبکه سنتی وسیع روحانیت بود و ضعف فدائیان و مجاهدین در این عرصه یکی از دلایل کلیدی این شرایط تاریخی است. فدائیان و مجاهدین در طول دوره مبارزه انقلابی خود به کار درمیان کارگران و توده‌ها، به مساله ایجاد يك سازمان سیاسی سراسری که مستقیماً با توده‌ها در پیوند باشد، مبارزه آنان را سازماندهی کند و در لحظه اعتلا هدایت جنبش توده‌ای را به دست گیرد کم‌بها دادند و از این رو است که به رغم مبارزه درخشان و قهرمانانه دهه ۵۰ و حضور فعال این دو سازمان در جنبش انقلابی ۵۷ در عمل از سازماندهی مبارزه مردم و هدایت آن در مقیاسی وسیع عقب ماندند. در حالی که خمینی و روحانیون و طلاب طرفدار او با تکیه بر سازمان سنتی روحانیت که در سراسر ایران امتداد داشت موفق شدند صدای خود را به موقع به گوش توده‌های معترض برسانند. نقش سخنگویی توده‌ها را بر عهده گیرند و مبارزه آنان را هماهنگ و هدایت کنند و سرانجام در رأس جنبش قرار گیرند.

- انقلاب به گونه‌ای روشن نشان داد که برای کسب رهبری علاوه بر عزم مبارزاتی و تشکیلات،

مساله اتخاذ به موقع مواضع و تاکتیک‌ها نیز دارای اهمیت حیاتی است. انقلاب به ما آموزش داد که چگونه در شرایط اعتلای انقلابی برخلاف دوران رکود يك تاکتیک درست و به موقع يك جریان سیاسی را به سرعت رشد می‌دهد و برعکس يك اشتباه در اتخاذ تاکتیک و موضع موجب عقب‌ماندگی از تحولات و حتی شکست‌های جبران‌ناپذیر می‌گردد. اتخاذ مواضع سیاسی به موقع و تاکتیک و اشکال مبارزاتی درست و افشای سازشکاران و مواضع ناسازگار با منافع جنبش در مقاطع سقوط پیاپی کابینه‌های هویدا تا بختیار و در روزهای چون آتش‌سوزی سینما رکس، تظاهرات ۱۳ و ۱۶ شهریور، کشتار خونین ۱۷ شهریور، فرار شاه (۲۶ دی)، تشییع جنازه استاد نجات‌اللهی، روزهای تاسوعا و عاشورا که لیبرال‌ها و بخشی از روحانیون با شعار مرگ بر شاه و نظیر آن مخالفت می‌ورزیدند روز بیستم بهمن که حکومت نظامی تهران از مردم خواست که از خانه‌های خود بیرون نیایند و بالآخره در روزهای داغ بهمن می‌توانست يك سازمان سیاسی رزمنده، دارای تشکیلات سراسری و متکی بر مواضع سیاسی - تئوریک درست و منسجم را در اوج رهبری قرار دهد. کما اینکه شرکت فعال سازمان در تظاهرات خیابانی تهران، طرح شعارهای انقلابی علیه رژیم در روزهای تاسوعا و عاشورا و روزهای مثل روز تشییع جنازه استاد نجات‌اللهی و افشای شعارهای سازشکارانه و نیز اتخاذ موضع به موقع در قبال روز ۲۶ دی (فرار شاه) و روز نخست‌وزیری بختیار و نیز نامه سرگشاده به خمینی به منظور افشای حرکت فالتان‌های طرفدار او که عکس صد بهورنگی را در بهشت‌زها پاره کرده بودند، عملیات مسلحانه سازمان علیه رژیم و نیز زهنمودهای که سازمان برای ارتقاء مبارزه انتشار داد و همچنین شرکت فعال سازمان در قیام، در گسترش پیوند سازمان با توده‌ها و رشد و تقویت جنبش انقلابی نقشی تاریخی ایفا کرد.

لیکن ضعف‌های تئوریک - سیاسی سازمان ما در آن زمان و فقدان يك تشکیلات سراسری بسیاری از فرصت‌های گرانقدر را از ما ربود. و روحانیت با استفاده از این ضعف‌های پیشرو انقلابی در موضع رهبری قرار گرفت. خمینی و پیروان او هر چند که در برابر سازشکارانه‌های زهبران جبهه ملی، بر موضع برکناری شاه محکم ایستادند و ضمن دربرخی مقاطع حساس جنبش انقلابی موضع و تاکتیک‌های ماهرانه‌ای اتخاذ کردند اما تنها به این دلیل نبود که در موضع رهبری قرار گرفتند بلکه کسب این رهبری تا حدود زیادی به دلیل ضعف پیشرو انقلابی و بهره‌گیری خمینی از تمایلات مذهبی توده‌ها نیز بود.

- انقلاب همچنین نشان داد که چگونه درجریان حدت تضادهای جامعه سرمایه‌داری و رشد جنبش انقلابی و ادامه سرکوب توسط رژیم حاکم بتدریج توده‌های سربازان و درجه‌داران و افسران و انبوهی از کارمندان و ماموران دولتی در برابر فرماندهان و رؤسای خود قرار می‌گیرند و بدینسان دستگاه سرکوب و بوروکراسی رژیم ترک برمی‌دارد و با عمیق شدن این ترک زمینه‌های قیام فراهم می‌گردد چگونه

بقیه در صفحه ۳

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

دوره‌هایی از ...

بقیه از صفحه ۲

حتی می‌توان فرارسیدن قیام را پیش‌بینی کرد و برای تدارک رهبری آن آماده شد. برگزاری سالگرد حماسه سیاهکل و تولد سازمان در دانشگاه تهران که با درگیری‌های لشکر گارد و پرسنل مبارز پادگان نیروی هوایی و شروع قیام همزمان شده بود بطور کلی به حیثیت و اعتبار سیاسی و انقلابی سازمان در آنهمان توده‌ها افزود. اما اگر چند روز و یا حتی یک روز پیش از آن امکان قیام در نظر گرفته می‌شد و به هزاران هوادار سازمان برای شرکت در قیام در حد امکان آن زمان رهنمودهای روشن داده می‌شد به یقین نقش سازمان در جنبش انقلابی به میزان وسیعی افزایش می‌یافت و به همین میزان جنبش نیرومندتر می‌گردید.

پس از انقلاب به موازات افت جنبش انقلابی، شکل‌گیری و انسجام دستگاه‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و استحاله آن، دستاوردهای انقلاب بتدریج از دست کارگران و زحمتکشان بیرون آورده شد و سازمانهای ترقیخواه سرکوب شدند.

در واقع کمونیست‌ها (به ویژه فدائیان که بزرگترین سازمان چپ کشور را تشکیل می‌دادند) با توجه به پشتوانه پایگاه توده‌ای و وضعیتی که پس از انقلاب پدید آمده بود می‌توانستند در جهت تقویت صف مستقل کمونیست‌ها و نهایتاً تأمین هم‌مونی.

آن بر جنبش به دستاوردهای بزرگی نائل شوند. این مساله مستلزم آن بود که از آغاز به مواضع و برنامه انقلابی مجهز گردند. بر اساس این مواضع اولاً سیاست مستقل خویش را با هدف تأمین هم‌مونی طبقه کارگر به پیش برند و در همین راستا فعالیت‌های تبلیغی و تهییجی خود را در میان کارگران و زحمتکشان گسترش دهند، آنان را با اهداف استراتژیک خود آشنا سازند و مبارزات آنان را سازمانگری نمایند. ثانیاً علیه همه‌سیاست‌ها

نابینگر، سازشکارانه و ضددموکراتیک حاکمیت ملی پس از انقلاب به افشاگری و مبارزه بپردازند و ثالثاً آن که در دوره پیش از استحاله از اقدامات مثبت آن بطور مشروط و بدون آن که موجب ایجاد توهم توهم گردد و یا باعث به هم ریختگی مرز کمونیست‌ها با نیروهای غیرپرولتری گردد، حمایت نمایند و رابعاً آن که در راه اتحاد با سایر نیروهای انقلابی و پیشبرد سیاستی هماهنگ در دفاع از دستاوردهای انقلاب و علیه سیاست‌های ضددموکراتیک و راست‌روانه رژیم اقداماتی مشخص انجام دهند.

در جنبه سازمانگری نیز می‌بایست به جای علنی کردن هواداران و اعضای خود در کارخانه، ادارات ارتش و دانشگاه‌ها از علنی کردن آنان حتی الامکان خودداری ورزند و ضمن گسترش فعالیت‌های علنی خود در سراسر جامعه حداکثر تلاش را در جهت توسعه تشکیلات سراسری که بتواند در هر لحظه برای مبارزه قاطع علیه رژیم، دفع سرکوب و تداوم کار انقلابی

آماده باشد به خرج دهند. اما انحرافات اپورتونیستی راست و دکماتیسم و سکتاریسم 'چپ' جنبش کمونیستی را از انجام به موقع این وظایف بازداشت.

نقش تعیین کننده شهرهای بزرگ و صنایع کلیدی

انقلاب نشان داد که به موازات رشد سرمایه‌داری وابسته و ایجاد قطب‌های بزرگ صنعتی در کشور نقش و اهمیت شهرهای بزرگ به ویژه تهران و کارگران صنایع کلیدی کشور در عرضه اقتصاد و سیاست به سرعت و به گونه‌ای بیسابقه افزایش یافته است. چنان که شهر تهران و صنایع نفت، ذوب آهن و برخی صنایع بزرگ و کلیدی دیگر مهمترین نقش سیاسی، اقتصادی و روانی را در انقلاب کسب کرده‌اند. انقلاب نشان داد که نبض جنبش انقلابی در درجه اول از درون شهرهای بزرگ صنعتی و در درجه نخست شهر تهران می‌گذرد. در این شهرها نیز نقش کارگران به ویژه کارگران صنعتی واحدهای بزرگ و انبوه عظیم حاشیه‌نشینان شهری از همه برجسته‌تر است. انقلاب به‌وضوح به‌ما آموخت که جنبش کارگران و کارکنان صنایع بزرگ و حرکات و اعتراضات توده‌ای شهر تهران به سرعت در میان همه کارگران کشور و کل توده‌ها بازتاب می‌یابد و اثرات سیاسی، اقتصادی و روانی بزرگی در راستای تبدیل جنبش انقلابی به نیروی شکست‌ناپذیر باقی می‌گذارد.

نیروی شکست‌ناپذیر جنبش انقلابی در دوره میان ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۵۷ پیش از هر چیز مدیون اعتصابات یکپارچه کارگران و کارکنان صنعت نفت و دیگر صنایع کلیدی کشور و اعتراضات و تظاهرات میلیونی شهر تهران بود. این اعتصابات یکپارچه کارگران صنعتی اولاً روحیه جنبش انقلابی را که در اثر کشتار دسته‌جمعی میدان ژاله (میدان شهدا) در ۱۷ شهریور ۵۷ به مدت چند هفته رو به افق گذاشته بود به شدت تقویت نمود و اساساً جنبش انقلابی را به سطح بالاتری ارتقاء داد. ثانیاً آنکه رژیم رابه لحاظ اقتصادی فلج نمود و ثالثاً آن که روحیه رژیم

و دستگاه‌های سرکوب آن را به شدت تضعیف کرد، شکاف در دستگاه‌های سرکوب رژیم را تعمیق بود و نتیجتاً زمینه‌های قیام بهمن را هموار ساخت این تجربه تاریخی قدرت عظیم طبقه کارگر ایران خصوصاً کارگران صنعتی و بالخصوص صنایع بزرگ و کلیدی را به اثبات رساند و نشان داد که برای کمونیست‌ها سازماندهی مبارزه این بخش از کارگران و گسترش پیوند با آنان مهمترین گام و حلقه اول مبارزه در راه تأمین رهبری طبقه کارگر بر کل جنبش انقلابی است.

اینک شش‌سال پس از انقلاب بهمن و سرنگونی دیکتاتوری سرسبزده شاه، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همه دستاوردهای انقلاب را از دست توده‌ها بیرون آورده و وضعیت اکثریت مردم ایران حتی بدتر از دوره پیش از انقلاب شده است. امانه رژیم جمهوری اسلامی و نه هیچ قدرت ارتجاعی دیگری هرگز نخواهد توانست تجارب مبارزاتی انقلاب را از توده‌ها باز ستاند. توده‌ها قدرت شکست‌ناپذیر مبارزه متحدانه خود را در سرنگونی

رژیم شاه دیدند، سازشکاری و دغلبازی جناح‌های مختلف بورژوازی که به ظاهر با مردم می‌آیند تا در موقع مناسب به مردم خیانت ورزند را تجربه کردند، نقش و اهمیت مساله رهبری را در عمل تجربه کردند. خیانت‌ها و جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی را با گوشت و پوست خود لمس کردند. عطر قیام و لذت پیروزی و آزادی را در روزهای پس از انقلاب بهمن چشیدند. این تجارب به ما گوشزد می‌کنند که کارگران و توده‌های خلق دیگر آن مردم سالهای دوره رژیم شاه نیستند. آنها در ابعاد میلیونی در دانشگاه انقلاب آموزش دیده‌اند. جنبش انقلابی ایران سرانجام دوباره اوج خواهد گرفت. این حکمی حتمی و انکارناپذیر است. در طوفان آینده طبقه کارگر و مردم ایران و نیروهای انقلابی آن با درس-

گیری از تجارب سالهای گذشته به یقین دستاوردهای بزرگی را درو خواهند کرد. ما کمونیست‌ها برای رسالتی که تاریخ در خیزش انقلابی آینده بر عهده‌مان گذاشته باید با حداکثر شتاب خود را آماده کنیم. و در این میان کار در بین کارگران و کارکنان صنایع بزرگ و کلیدی به ویژه صنعت نفت و کار در میان توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ دیگر در درجه اول اهمیت قرار دارد.

*

در اغلب عملیات نظامی مهم سازمان از جمله حمله به مرکز پلیس تهران و قرارگاه عشرت‌آباد قهرمانانه شرکت کرده بود و هر بار موفق بازگشته بود، این‌بار در حالیکه با شور و امید به اطاق فرمان رادیو نزدیک می‌شد تا پیام سازمانش را به گوش خلق قهرمان ایران برساند، در راه آرمانش جان باخت. یک رگبار مسلسل رفیق را به شهادت رساند. رفیق قاسم سیادت از نمونه‌های ایمان به آرمان طبقه کارگر و از اسطوره‌های فداکاری در این راه بود. یادش گرامی باد.

*

خاطره رفیق قاسم سیادت

بود. پادگانها در حال سقوطند. رفقا به اسلحه‌خانه پادگانها و کلانتری‌ها رسیده‌اند و مردم و هواداران بیشماری مسلح شده‌اند. يك خبر اما در این بحبوحه شادی و امید، دل‌هایمان را پر از اندوه ساخت. رفیق حمید درحالی که پیشاپیش هواداران و مردم فتح چندین طبقه از ساختمان رادیو را رهبری کرده بود، به شهادت رسیده بود. حمید نام مستعار رفیق قاسم سیادت و نشانه علاقه و احترام او به رفیق حمید اشرف بود. او که در روزهای پیش از قیام

روز ۲۲ بهمن بود، رفقای سازمان هریک رهبری گروهی از مردم و هواداران را که برای تسخیر پادگانها، کلانتری‌ها و مراکز ساواک مسلحانه می‌رزمیدند برعهده داشتند. گروهی از مردم و هواداران سازمان نیز به رهبری رفیق حمید برای تسخیر مرکز رادیو می‌جنگیدند. تلفن محلی که به مرکز ارتباطات سازمان در تهران تبدیل شده مرتباً رنگ می‌زد. وضعیت رفقا گزارش می‌شد و متقابلاً خبرهای خوش پیروزی در نقاط مختلف شهر تهران برای آنان بازگو می‌شد. همه خبرها سرشار از عطر خوش پیروزی و درخشش قهرمانیهای مردم و سازمان

برای افزایش دستمزدها مبارزه کنیم

مصاحبه با ...

بقیه از صفحه اول
را که در بطن جامعه نهفته بود، به راستای مبارزه انقلابی کشاند.

در شرائطی که از یکسو سران جبهه ملی بازرگان‌ها، بختیارها، سنجایی‌ها و الهیار صالح‌ها زبون‌تر از پیش سیاست "صبر و انتظار" در پیش گرفته بودند و از سوی دیگر، در جنبش کمونیستی رفرمیسم و یا به اقرار خود حزب توده "سلطه رهبری غیرانقلابی" بر آن حاکم بود، حماسه سیاهکل سرفراز برافراشتن پرچم مبارزه انقلابی و تلاشی قهرمانانه در راستای پیمودن راه پرفراز و نشیب آن بود. با این حماسه سازمان ما تولد یافت و مبارزات افتخارآفرین خود را آغاز نمود.

با یاد و خاطره عزیز شهدای جنگل و به گرامی داشت چهاردهمین سالگرد آن حماسه همیشه ماندگار، با تنها یادگار زنده و تنها بازمانده حماسه سیاهکل، فدائی خلق، رفیق ایرج نیری مصاحبه کرده‌ایم.

رفیق ایرج نیری در ۱۴ بهمن ۴۹ در روستای "شب خسب لات" واقع در ۴ کیلومتری سیاهکل توسط مزدوران ساواک دستگیر و در بیدادگاه‌های شاه (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) بهمراه رفقا حسن ضیاء ظریفی، احمد خرم‌آبادی و کاظم سلاخی محاکمه و به اعدام محکوم گردید. حکم اعدام رفیق حسن ظریفی و ایرج نیری بعداً به حبس ابد تبدیل شد. فدائی خلق ایرج نیری که در بهمن ۴۹ دستگیر شده بود در بهمن ۵۷ بدست توانای مردم از زندان آزاد شد.

س - رفیق نیری، اینک چهارده سال از حماسه افتخارآفرین سیاهکل میگذرد، اولین سوال این است که خاطراتی از رفقای سیاهکل و فعالیت‌هایی که به آن انجامید بازگو کنید.

ج - من در تابستان سال ۴۷ با رفیق غفور حسن‌پور در ارتباط سیاسی قرار گرفتم. در شهریور سال ۴۸ بدنیال مباحثات و تصمیمات در مورد چگونگی فعالیت‌های ما، و بمنظور شناسایی منطقه، قرار شد که بهمین منظور من تلاش کنم خودم را که معلم روستا بودم به منطقه سیاهکل منتقل نمایم. در مهرماه ۴۸ موفق شدم خود را به روستای "شب خسب لات" که در ۴ کیلومتری سیاهکل قرار دارد منتقل کنم و از مهر تا اسفند ۴۸ باتفاق رفقا غفور حسن‌پور و هادی بنده‌خدا لنگرودی به شناسایی مقدماتی منطقه پرداختیم.

در فروردین ۴۹ با رفیق رحیم سمعی (مصطفی) مرتبط شدم و از آن پس شناسایی کامل منطقه را از سیاهکل تا نزدیک جنگلهای املش لنگرود، شروع کردیم. روزها نقاط مختلف جنگل را بمنظور تعیین محل مناسب جهت ساختن انبارک شناسایی میکردیم و شبها هم در به اصطلاح نوه‌های مخصوصی که از طناب بافته شده بود و آنها را از دو سر به شاخه‌های انبوه درختان جنگل می‌بستیم، استراحت میکردیم.

طی همین شناسایی‌ها و در خرداد ۴۹ "قله کاکوه" را برای محل انبارکهای سلاح و مهمات و آذوقه در نظر گرفتیم. و از خرداد تا اوائل شهریور تعداد ۶ انبارک در قله ساختیم. حدود دهم شهریور رفیق سمعی گفت که او نیز قرار است بهمراه تیم کوه به جنگل برود و نتیجتاً من باتفاق رفیق اسکندر رحیمی کار را ادامه دادیم در ۱۷ شهریور رفیق اسکندر بمن اطلاع داد که

رفقا روز ۱۵ شهریور به کوه رفته‌اند. از آن بعد هم تا هنگام دستگیری باتفاق رفیق اسکندر کار شناسایی را ادامه میدادم و بطور مشخص در آذرماه ۴۹ بود که پاسگاه سیاهکل، پاسگاه جنگلیانی، تعداد نفرات، اسلحه و مهمات آنها راهها و جاده‌ها، خطوط مواصلاتی تلفنی و همچنین بانکها و افراد منفور و مزدور محلی را شناسایی کردم. بر اساس شناسایی جنگل، پاسگاه و راهها نقشه‌هایی تهیه میکردیم و این نقشه‌ها توسط رفیق اسکندر به تیم کوه رسانده میشد. قبل از آن هم در اوایل آبان بیدار رفقای تیم کوه رفته بودیم یعنی یکبار که قرار ثابت من در روز اول آبانماه با رفیق اسکندر اجرا شد رفیق گفت روز سوم آبان به "قله کاکوه" میرویم و رفیق دیگری بنام رفیق عباس هم با ما خواهد آمد.

غروب دوم آبان رفیق اسکندر به همراه رفیق عباس به "شب خسب لات" آمدند. رفیق عباس در آن شب راجع به وضعیت منطقه سوالاتی میکرد و با دقت به جوابها و موضوعاتی که مطرح میکردم گوش میداد. رفیق عباس با اطمینان و اتکاء به نفس و با شور و غرور انقلابی سرشاری حرف میزد. در آتموقع من هنوز نمی‌دانستم که این رفیق عباس همان فدائی قهرمان رفیق حمید اشرف است. ساعت ۶ صبح روز سوم آبان بطرف "کاکوه" حرکت کردیم و در ساعت یازده به قله رسیدیم. رفقای تیم کوه زیر یک درخت در دبه کوچکی برایمان یادداشت و نشانه‌هایی گذاشته بودند. از روی نشانه‌ها رفقا را پیدا کردیم. شادی بینهایتی بمن دست داده بود و اشک شوق در چشمانم جمع شده بود. یکدیگر را بگرمی در آغوش فشردیم و ربوبی کردیم. رفقای "تیم کوه" در آتموقع هنوز ۶ نفر بودند یعنی فرمانده تیم، رفیق علی اکبر صفائی فراهانی و رفقا رحیم - سمعی، مهدی اسحاقی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی و هادی بنده‌خدا لنگرودی.

گرچه اثرات کار و برنامه‌های سخت شناسایی برچهره مردانه رفقا پیدا بود اما در نگاهشان طراوت و عشق و ایمان به آرمان کمونیسم و امید به پیروزی موج میزد. منم بارانی که از صبح شروع شده بود همچنان ادامه داشت. زیر یک سایبان پلاستیکی جمع شده بودیم و درباره وضعیت منطقه، شناسایی‌ها و اجرای قرارها صحبت میکردیم.

رفیق علی اکبر فراهانی فرمانده تیم بهمراه رفیق حمید اشرف برای گفتگو به گوشه‌ای رفتند و پس از ۲ ساعت مجدداً بمیان جمع آمدند. در مورد مسائل و برنامه‌های پیش رو بحثهایی صورت گرفت. پس از اتمام بحثها من پرسیدم "رفقا فکرمی‌کنید مبارزه ما با رژیم شاه چند سال طول میکشد؟" چند لحظه سکوت شد بالآخره رفیق علی اکبر صفائی فراهانی گفت "رفیق ما مبارزه سخت و دشواری را در پیش رو داریم چنانکه مبارزه ما گسترش یابد مطمئن هستیم همانطور که در ویتنام، آمریکا برای نجات رژیم دست نشانده‌اش از هیچ اقدام چنایتکارانه‌ای خودداری نکرده، در اینجا نیز برای نجات نوکران خود دست به اقدامات چنایتکارانه خواهد زد ولی همانطور که خلق ویتنام نشان داد که حاضر است بیش از ۲۵ سال بجنگد و تسلیم امپریالیسم نشود، ما اعتقاد داریم که خلق ایران حتی اگر ۵۰ سال هم مبارزه کند حاضر به تسلیم و سازش در برابر امپریالیسم آمریکا نخواهد شد بنابراین ما مبارزه‌ای بی‌امان را در پیش روی خود

داریم و تا پای جان علیه رژیم شاه جلا و علیه امپریالیسم آمریکا خواهیم جنگید"

س - رفیق نیری در مورد خصائل و شخصیت انقلابی رهبران سازمان چه خاطراتی دارید و خصوصاً چه درس‌هایی را از آنان میتوان آموخت؟

ج - من در اینجا وارد جزئیات خاطرات از حوادث و وقایع مختلفی که هم‌اکنون هم بروشنی در خاطر دارم نمیشوم و اثر هم به شرایط آتموقع اشاره میکنم برای ملموس‌تر کردن آن خصلتهای انقلابی رفقا است که می‌خواهم به برخی از آنها اشاره کنم. میدانید که پس از شهادت رفقای جنگل و سرباتی که در بهار و تابستان ۵۰ در شهر بر سازمان وارد آمد، در مهرماه دیگر از رفقای سازمان فقط ۷ نفر باقی مانده بودند، در آن شرایط دشوار که سازمان شدیداً زیر ضرب پلیس بود و تبلیغات نفرت‌انگیز دستگاههای رژیم دم از نابودی قطعی سازمان و ریشه‌کن شدن آن میزدند، رفیق حمید اشرف نقش مهمی در نجات سازمان و حفظ و تداوم حیات زرمنده آن بر دوش گرفت. در آن شرایط واقعا دشوار اولین و برجسته‌ترین خصیصه انقلابی رفیق یعنی ادامه‌کاری انقلابی و مقابله سرسختانه با انبوه مشکلات که لازمه هر عنصر رهبری کننده و هر کادر و عضو سازمان انقلابی است، بشکل برجسته‌ای بروز کرد. دیری نگذشت که سازمان از عهده جبران ضربات برآمد. از اینجا باید درس سخت‌کوشی و ایمان به روشنی فردا را آموخت. دومین خصلت برجسته حمید اشرف را میتوان در غرور انقلابی و اعتماد بخود و اتکاء به نفس عمیق او جستجو کرد در این مورد هم مثالهای متعدد و روشنی از برخوردهای رفیق حمید با پلیس و مزدوران رژیم در شرایط سخت بخاطر دارم در اینجا هم من نمی‌خواهم با اشاره به این جزئیات یا جنبه‌های تاکتیکی مبارزه با پلیس، یک تصویر ساده از شرایط بنهن متبادر شود بلکه منظور اصلی من تاکید بر آن خصلت انقلابی است که هر عنصر مبارز باید دارا باشد و آن اعتماد و اتکاء به نفس آگاهانه و اعتقاد عمیق به برتری معنوی و اخلاقی خود بر دشمن و عوامل دشمن است. معروف بود که رفیق حمید همیشه بر این اعتقاد بوده است که در برخورد با پلیس و مزدوران ساواک و در درگیریها این اوست و این حق اوست که باید پیروز شود.

بنظر من، هر کادر، عضو و هوادار سازمان باید با درس‌گیری از جوهر و مضمون این خصلت انقلابی رفیق حمید یعنی اعتماد به نفس و اعتقاد عمیق به برتری اخلاقی و معنوی خود بر دشمن، مبارزه را پیش ببرد. امروزه هم همین جوهره انقلابی، مبارزین و زندانیان سیاسی را در زندانها سرفراز و شکنجه‌گران و دژخیمان را علیرغم بکارگیری شکنجه‌های جهنمی‌شان حقیر و شکست‌خورده میکند.

س - رفیق نیری شما تا بهمن ۵۷ در زندانهای مختلف رژیم شاه بودید، از زندان و رفقای بنیانگذار سازمان چه خاطراتی دارید؟

ج - آنچه بیش از هر چیز در خور یادآوری و ارجمندی است شخصیت انقلابی و نقش فوق‌العاده ارزنده رفیق بیژن جزنی در زندان، تحلیل مسائل جنبش، فعالیت مداوم و خستگی‌ناپذیر در جهت پیشبرد مباحث تئوریک - سیاسی، تهیه و تدوین بقیه در صفحه

مصاحبه با ...

جزوات متعدد درباره مسائل مبارزه انقلابی و ارتقاء دانش سیاسی رفقای زندان است بیژن براستی يك مارکسیست - لنینیست متفکر و پویا يك رهبر سیاسی و سازمانده توانا و بلحاظ برخورداری از اعتبار و اتوریته معنوی و سیاسی در جنبش انقلابی، شخصیتی بی‌نظیر بود.

نظراتی که بیژن در زمینه ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، سلطه مناسبات سرمایه‌داری وابسته در ایران و ویژگیهای آن، طرح کرد بدون تردید یکی از مهمترین و ارزنده‌ترین خدمات بیژن به جنبش کمونیستی ایران است. بیژن، در شرایطی که گروههای مائوئیستی با الگو برداری از جامعه و انقلاب چین، جامعه ایران را نیمه‌مستمره - نیمه‌فئودال ارزیابی میکردند، در شرایطی که اپورتونیسیم راست، " روند صنعتی شدن کشور را بطور عینی مثبت " جلوه میداد و در انتظار "دموکراسی" منطبق با این روند صنعتی شدن، نشسته بود، به شیوه‌ای مارکسیستی و انقلابی هم سلطه مناسبات سرمایه‌داری بر ساخت اقتصادی را نشان داد و هم روند تشدید دیکتاتوری شاه را بعنوان یکی از تبعات الزامی آن بدرستی نتیجه گرفت. در واقع کاری را که بیژن در این زمینه انجام داد هیچک از گروهها و احزاب قدیم و جدید مدعی مارکسیسم - لنینیسم انجام نداده بودند. جوهر و اساس نظرات رفیق بیژن در این عرصه هنوز هم ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده‌اند. شناخت بیژن از ترکیب طبقاتی و موقعیت اجتماعی-سیاسی نیروهای جامعه نیز شناختی واقع بینانه بود. بیژن با در نظر داشتن وزن و ثقل نیروهای خرده‌بورژوازی در جامعه، سابقه مبارزات سیاسی توده‌های شهری، و روانشناسی و ذهنیت توده‌ها، احتمال قرار گرفتن نیروهای مذهبی و حتی روحانیون را در راس جنبش آتی توده‌ها مورد توجه جدی قرار می‌داد و بر همین اساس بر ضرورت فعالیت هرچه بیشتر مارکسیستها و بر ضرورت اتحاد میان مارکسیستها با دیگر نیروهای مترقی و رادیکال تاکید می‌کرد.

البته لازم است که به جوهر و مضمون نظرات رفیق بیژن در زمینه مسائل جنبش جهانی کمونیستی و انترناسیونالیسم پرولتری هم اشاره شود. بیژن همیشه و با قاطعیت با تزه‌ای ارتجاعی " سوسیال امپریالیسم " و رویزیونیستی خواندن حزب کمونیست اتحاد شوروی مبارزه می‌کرد و زبانبار بودن این نظرات حتی در شرایطی که هنوز بطور کامل برنلا نشده بودند، یادآور می‌شد. در این زمینه هم بیژن بر روند تصحیح نظرات سازمان، تاثیر گذاشت. اگرچه نظرات بیژن طی آن سالها در جنبه‌هایی از مسائل تئوریک و تحلیل از تضادهای دوران، کاستی‌ها و لغزشهایی دارد اما این کاستی‌ها موجب آن نمی‌شود که مضمون و جوهر نظرات بیژن و بویژه استنتاجات سیاسی این نظرات نادیده انگاشته شود. مطالعه مجدد و دقیق نظرات بیژن در این زمینه و بویژه توجه به شرایط مبارزه سیاسی آن دوره نشان می‌دهد که مضمون اصلی این نظرات هم مبارزه علیه مائوئیسم و ناسیونال کمونیسم و هم مبارزه علیه ناسیونال نیهیلیسم

حزب توده است. هم پذیرش موقعیت اردوگاه سوسیالیسم و نقش آن، در تحولات انقلابی جهان و منطقه است و هم تکیه بر ضروریات مبارزه طبقاتی در عرصه ملی، بعنوان مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی و بها دادن به عوامل و منافع ملی در پیشبرد مبارزه انقلابی و احتراز از تکیه‌برداری و برخورد منفعلانه و غیرخلاق با تجارب و نظرات سایر احزاب است.

بنظر من در این زمینه هم آنچه از بیژن باید آموخت (با تصحیح اشتباهات و تکمیل جوهر آن) جهت و مضمون آن نظرات و کاربست اصولی آن در عرصه مبارزه سیاسی است.

سرفیق نیری مجموعه عواملی که منجر به شکلگیری مبارزه مسلحانه و حماسه سیاهکل گردید چه بودند و ارزیابی شما بطور کلی از این حرکت چیست؟ - جبرای پاسخ به این سوال باید نگاهی به مجموعه شرایط عینی و ذهنی دوره‌ای که حماسه سیاهکل در آن اتفاق افتاد یعنی دهه ۴۰ بیندازیم. در این سالها بدنبال اصلاحات ارتجاعی - بوروکراتیک رژیم شاه و سلطه سرمایه‌داری وابسته و گسترش نفوذ همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا، تضادهای جامعه تضاد خلق و امپریالیسم و تضاد کارو سرمایه در جامعه ما تشدید شد. دیکتاتوری بعنوان روینای سیاسی ضروری نظام سرمایه‌داری وابسته فشار هر چه بیشتری را بر فضای سیاسی جامعه تحمیل میکرد. شاه پس از سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد ۴۲ با محکم‌تر کردن زنجیرهای دیکتاتوری بر دست و پای خلق ایران، تمامی امکانات و کانالهای فعالیت را از میان برمیداشت. هم جبهه ملی و هم حزب توده مشی تسلیم طلبانه در پیش گرفتند. رفرمیسم و گرایش به راست بر جنبش حاکم بود. نیروهای جوان و انقلابی که پا بمیدان مبارزه می‌گذاشتند از یکطرف سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری شاه و از طرف دیگر انفعال و رفرمیسم سازمانها و احزاب سیاسی موجود را مشاهده میکردند و با طرد رفرمیسم یافتن طرق مبارزه انقلابی را دنبال می‌کردند. از سوی دیگر بخوبی روشن است که اصرار اقلیت و یا گروه " اشرف " در تئوریزه کردن، مشی چریکی تا چه اندازه بیهوده است.

حماسه سیاهکل راهم باید از همین زاویه یعنی از زاویه تلاش صادقانه برای یافتن راه اصولی و برافراشتن پرچم مبارزه انقلابی ارزیابی کرد. استناد صرف به شرایط عینی جامعه از قبیل تضاد خلق و امپریالیسم، گستردگی اقشار خرده‌بورژوازی و یا تاکید بر تاثیرپذیری نیروهای انقلابی ایران از اشکال مسلحانه مبارزه در کشورها نمی‌تواند بخودی خود شکلگیری و بروز مبارزه مسلحانه و حماسه سیاهکل را توضیح دهد. چنین برخوردهایی بیشتر برای پرده‌پوشی و توجیه رفرمیسم است تا پاسخ واقعی به علل شکلگیری مبارزه مسلحانه. انحلال طلبان در توجیه رفرمیسم و بمنظور نفی ماهیت و موجودیت انقلابی سازمان و اساسا نفی ضرورت مبارزه انقلابی نوشته‌اند " ۲۵ سال زودتر یا ۲۵ سال دیرتر " در تاریخ يك ملت چه اثری دارد ؟

آنان بدینوسیله از یکطرف اعتراف کرده‌اندکه رفرمیسم بر حزب توده حاکم بود و سالها هم حاکم بود و از طرف دیگر کله و شکوه کرده‌اند که طرد رفرمیسم و تلاش برای یافتن راهی انقلابی بیهوده

و انشعاب طلبی بوده‌است یعنی سازمان اساسا نمی‌بایست موجودیت پیدا میکرد. این همان پرده‌پوشی رفرمیسم و همان " سازش یا انحراف زبر پرچم وحدت " است اما همانگونه که گفتم حماسه سیاهکل رد رفرمیسم و تلاش برای یافتن راه اصولی و مبارزه انقلابی است.

س - سازمان از بدو پیدایش تا کنون فراز و نشیبهای زیادی را پشت سر گذاشته، شما تحولات

سازمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ - سازمان ما بنیانه خصلت انقلابی و پویای خود علیرقم ضربات و فراز و نشیبها، نقش موثری در رشد و ارتقاء جنبش داشته است. سازمان بویژه در جریان انقلاب و پس از آن از يك گروه کوچک چریکی به يك سازمان سراسری گسترده با پایگاه نسبتا نیرومند توده‌ای تبدیل شد و نقش غیرقابل انکاری در تحولات سیاسی جامعه بر عهده گرفت. اما سازمان ما از يك ایدئولوژی، برنامه و خط مشی سیاسی منسجم و اصولی که بتواند راهنمای عمل انقلابی آن در هدایت و سازماندهی مبارزات توده‌ها باشد برخوردار نبود. رهبران ارزنده و برجسته سازمان، بیژن و یاران، بدست درخیمان شاه شهید شده بودند و سازمان در این زمینه نیز با کمبود اساسی روبرو بود. در نتیجه این ضعفهای اساسی و در برخورد با تحولات عظیم و پیچیده سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب سازمان دچار اشتباهات، نوسانات، و انشعاباتی گردید. اقلیت، بدون داشتن حداقلهای در زمینه مواضع ایدئولوژیک - سیاسی و بدون وارد شدن در يك مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی، بخشی از کادرها و نیروهای فعال سازمان را به بیراهه برد و به روند تکاملی سازمان و اعتبار آن لطمات سنگینی زد. اقلیت با انشعاب خود در واقع کک مؤثری به رشد دیدگاه انحلال طلبانه در سازمان نمود. انحلال طلبان با پذیرش برنامه و خط مشی حزب توده و پیوستن به آن، بر سازمان و بر جنبش کمونیستی زیانهای سخت و جبران ناپذیری وارد کرده‌اند. با اینهمه سازمان تجارب پرباری کسب کرده و با گامهای سنجیده‌تر و مطمئنتر به پیش می‌رود.

دستیابی سازمان به مواضع اصولی در بنیادی ترین عرصه‌های ایدئولوژیک یعنی دوران، انترناسیونالیسم پرولتری، سمتگیری سوسیالیستی و تدوین نظرات سازمان در زمینه ساخت اقتصادی و ساخت سیاسی جامعه ایران و نهایتا دستیابی سازمان به " طرح برنامه " انقلابی برای مرحله انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی، دستاوردهای بسیار ارزنده و امیدبخشی هستند که از ۱۶ آذر ۶۰ به بعد نصیب سازمان شده است. سازمان با تکیه بر این مواضع و با تکیه بر " طرح برنامه " مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم فئودالی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را به پیش می‌برد. سازمان در راه غلبه بر پراکندگی کتونی جنبش کمونیستی، تامین وحدت رزمنده آن و تشکیل حزب طرازنویین طبقه کارگر مبارزه می‌کند. آینده جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه ایران، درخشان و پیروزمند است. من به پیروزی این مبارزات ایمان دارم. بزرگترین گرامیداشت خاطره شهدای سیاهکل نیز مبارزه تا پای جان در راه پیروزی این مبارزات و پیروزی آرمان رفقای سیاهکل است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

رژیمی که خود فاسد ... بقیه از صفحه اول

همکاری حاکم شرع شهرداری با شهردار تهران در مورد واگذاری بیش از ده هزار قطعه زمین، زدی برادرزاده حاکم شرع دادگاه ویژه امور صنفی تهران، "خورده شدن کشتی آهن"، کم شدن تریلی‌های پر از محموله در راه بندر عباس - تهران "پرونده ۲۰ هزار تن آهن غیرمجاز در کرج"، ... آشکار شده این فساد است. گسترش ابعاد این فساد که خشم هر چه بیشتر مردم را برمی‌انگیزد آن بخش از سران رژیم را که به الزامات حفظ قدرت سیاسی و ضرورت به نظم در آوردن روابط بورژوازی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، واقفت‌ترند و نابسامانی ناشی از فساد بسیار گسترده را با حداقل نظم لازم برای تحولات بورژوازی در تضاد می‌بینند، به وحشت انداخته و آنها را به سخن گفتن در مورد ضرورت مبارزه با فساد واداشته است. در عین حال، کشمکش‌های درون حکومتی به منظور تحت فشار قرار دادن این یا آن نیرو و از این طریق کسب موقعیت بهتر در قدرت سیاسی موجود، نیز موجب بر ملا شدن برخی از این روابط فاسد می‌شود. از این روست که مثلاً در مجلس گفته می‌شود که "مسئولین در جواب پاسخ شکایات مردم به ما می‌گویند که دلیل عزل (مقامات و مدیران) این است که فلان آقا او را تائید نمی‌کند و یا اینکه اگر آنها را نصب می‌کنیم به این دلیل است که با فلان آقا ... (رابطه و خویشاوندی دارد) ... یا یکی دیگر از نمایندگان مجلس می‌پرسد "اگر یکی از مسئولین در استانها مرتکب خیانت و یا زدی و اختلاس و رشوه گرفتن شده ... چرا با پشتیبانی وزارتخانه مربوطه برکنار نمی‌شود، بلکه با جابجا کردن و بدست آوردن پست حساس‌تری جایزه دریافت می‌دارد؟"

رژیم خود منشاء فساد است

فساد طبقات استثمارگر و دستگاه‌ها کمیته‌تی‌به آن پدیده‌ای قدیمی است و به همین دلیل یکی از اهداف انقلاب بهمن مبارزه با انواع فساد - سیاسی، مالی و اداری در نظام ستمشاهی بود. اما تحولات سیاسی و اقتصادی پس از انقلاب در عمل نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از محدود کردن فساد بازمانده است، بلکه خود منشا و مستول تداوم و گسترش فساد در ابعاد وسیع آن است و سران نوکیسه آن و پشتیبانان سرمایه‌دار آنها اکنون با حرص و آزی بیشتر به غارت می‌پردازند.

روشن است رژیم‌هایی چون رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توانند منشاء و منبع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فساد را از میان بردارند. از میان بردن فساد از یکسو به خشکاندن منابع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی فساد، و از سوی دیگر شرکت فعال و آگاهانه مردم در نهادهای دموکراتیک و اعمال کنترل و حسابرسی مؤسسات اقتصادی و سیاست و عمل خدمتگزاران دولتی خود و وجود آزادی سیاسی برای آگاه کردن مردم و افشاء منابع و عاملان فساد بستگی دارد. اما در رژیم جمهوری اسلامی نه منابع فساد از

میان رفتنی است و نه مردم از حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی برخوردارند. رژیم بر بستر سرمایه‌داری وابسته و بدون تغییری اساسی در آن و دگرگونی اساسی در ساخت اداری و نظامی دستگاه دولتی قدرت را بدست آورد. نمایندگان عقب‌مانده‌ترین اقشار میانی از آغاز در پیوند با بخشی از بورژوازی به حکومت رسیدند. از این رو، قدرت اقتصادی بورژوازی برغم صدمات وارده بر آن، عمدتاً در تولید، و بویژه توزیع، حفظ شد. شبهه کار آنها در عرصه سیاسی و اداری مبتنی بود بر باندبازی و پارتی‌بازی آخوندی، توسل به تعهدات عوام‌فریبانه، ظاهری و دروغین مذهبی و خویشاوندی با این یا آن آیت‌الله و حجت‌الاسلام و ... برای اداره دستگاه عریض و طویل دولتی که از رژیم سابق به ارث رسیده بود. تردید و مباحثات نمایندگان اقشار میانی و رشد قدرت سیاسی و اقتصادی بورژوازی در شرایط وجود سرمایه‌داری وابسته سرانجام به استحاله آن انجامید. در این دوره رژیم از آغاز بر فشار خود برای نابودی شوراهای کارگری، دهقانی، دانشگاهی، اداری و سرکوب آزادیهای سیاسی و مدنی و سرکوب جنبش کمونیستی و نیروهای مترقی افزود، و بدین ترتیب، راه بر ارتقاء آگاهی و کنترل مردمی توده‌ها مسدود شد و شرایط برای اجرای سیاستهای بورژوازی هموار گردید. در عین حال، دستگاه دولتی ایران با امکانات وسیع ناشی از درآمد نفت و گستره فعالیت عظیم در عرصه تولید و توزیع و خدمات، در دست رژیم قرار گرفت که معیارش برای انتخاب مسئولان و مدیران دولتی عمدتاً قشریگری مذهبی و خویشاوندی با فلان بازاری یا بهمان آیت‌الله بود. در کنار آنها نیز حاکم شرع و در کنار هر دوی آنها پاسدار، کمیته‌چی و بنیادهای گوناگون با عناوین ظاهرالصلاح قرار گرفت بدون وجود حساسیتی برای حسابرسی و کنترل، یعنی به گونه‌ای کاملاً قرون وسطائی اموال و درآمد دولتی در اختیار این افراد و نهادها قرار گرفت، و برخی از آنها، یعنی حاکم شرع، کمیته‌ها، پاسداران و بنیادهای اختیاراتی عملاً نامحدود بدست آوردند. دستگاه عظیم دولتی که برای خرید کالاها، خدمات و اسلحه و فروش کالاهای مورد نیاز مردم و بخش خصوصی، توزیع سهمیه مواد اولیه کارخانجات، فروش ارز، اعطای پروانه کسب، بهره‌برداری از معادن و ساخت کالا، پیمانکاری، مهندسی مشاور، مناقصه و مزایده، دریافت مالیات با بخش تولید، توزیع و خدمات خصوصی، چه در داخل و چه در خارج، در ارتباط است، اشتباهی فاسد همه آنها را در امر غارت بالا برد. از این روست که بدوزان رسیده‌های سیاسی - اقتصادی با چهره‌هایی چون ناطق نوری‌ها، عسکروادیه‌ها، خاموشی‌ها، امانی‌ها و پورا استاداها و بستگان دوروز نزدیکشان اتحادیه‌ها و کمیته‌های امور صنفی خود را مرکب از عمده‌فروشان و دلالان بزرگ بازار، بوجود آوردند تا ارتباطات میان دولت و بخش خصوصی را تحت نفوذ و کنترل خود قرار دهند و پیوند خود را با مقامات بالای وزارتخانه‌ها و بنیادها و دستگاه‌های انتظامی تحکیم بخشند. مقامات نوکیسه اداری و انتظامی نیز متقابلاً در شرایط عدم وجود حسابرسی و کنترل و نبود نهادهای



تشکل‌های مخفی کارگری را سازمان دهیم

در این زمینه، نظر رن‌ناکاهیرا، روزنامه‌نگار ژاپنی که با لنین مصاحبه کرده است، بسیار مهم است. رئیس شورای کمیته‌های خلق، بعدها هنگامی که یادداشت‌های روزنامه‌نگار را خواند عبارتی چون "لنین تصمیم گرفت"، "لنین گفت" نه. " را خط زد. تاکاهیرا نوشت: "چنانکه بعداً اطلاع پیدا کردم، لنین گفته بود این لنین نبود که تصمیم گرفت یا گفت "نه". این حکومت کارگران و دهقانان بود که همه تصمیمات را گرفت."

در جلسات شورای کمیته‌های خلق، علی‌رغم نظم دقیقی که حاکم بود، هیچ تشنجی احساس نمی‌شد؛ این جلسات به معنای کامل کلمه تجسم کار جمعی بود. ل. فوتیوا خاطرنشان می‌کند که "در اجلاس‌های شورای کمیته‌های خلق هرکس نظرات خود را درباره مسائل مورد بحث اظهار می‌کرد و درباره همه آنها رای‌گیری می‌شد."

همه اینها شاید یکی از نمونه‌وارترین خصوصیات سبک کار اولین حکومت شوروی، سازماندهی دقیق و کارآیی آن را تشکیل می‌داد و تصمیم‌گیری جمعی درباره مسائل دولتی و بهره‌گیری از دانش، تجربه و استعداد همه اعضای آن را بدون استثناء تضمین می‌کرد.

رئیس شورای کمیته‌های خلق توجه زیادی به این مساله داشت که همه حلقه‌های دستگاه قدرت پرولتری بطور موزون و دقیق کار کنند و ساخت، اشکال و سبک کارشان هرچه بیشتر بهبود یابد. ن. کروپسکایا نوشت: "درست مانند زمان پی‌ریزی و بنای حزب که لنین تلاش می‌کرد از طریق نمونه فردی، برخورد صحیح با مسائل تهییج، تبلیغ و سازماندهی را به رفقای خود یاد دهد، اینک نیز او در راس حکومت شوروی، می‌کوشید نشان دهد که انسان چگونه باید در دستگاه دولتی کار کند، چگونه باید از هرگونه بوروکراسی خلاصی یابد و به توده‌های وسیعی که از اعتمادشان برخوردار است نزدیک‌تر شود."

اینها فقط چند نمونه برجسته از کار لنین است که نشان می‌دهد او چگونه اولین حکومت، اولین دولت پرولتری را اداره می‌کرد.

★

می‌گفت از خلقم چنان دفاع خواهم کرد که رژیم برخورد بلرزد. بنابراین رژیم راهی جز اعدام ما در برابر خود ندارد. این جملات را کسی می‌گفت که چون دیگر کمونیست‌های سراسر جهان عاشق زندگی بود. عشق عمیق کرامت بر زندگی را در سرود "بهاران خجسته باد" او و دیگر کارهایش پرورش می‌توان دید. آری کرامت عاشق زندگی بود، اما در راه رهائی مزدمش و در راستای آزمان والایش حاضر بود از جان‌ش بگذرد. و هنگامیکه در برابر چنین آزمایشی قرار گرفت چه راحت و چه سربلند زندگی‌اش را در راه زحمتشان میهن و در راه آزادی و استقلال میهن فدا کرد.

خسرو و کرامت در بیدادگاه شاه با آگاهی از تاثیرات برخورد افشاگرانه شجاعانه رژیم را به محاکمه کشاندند، پشت رژیم را لرزاندند و خلق را غرق در غرور کردند و نشان دادند عزم انقلابی کمونیست‌ها و مقاومت آنان چه تاثیرات عظیم و عمیقی در ارتقاء آگاهی توده و تقویت جنبش کمونیستی دارد. کرامت و خسرو که فدائی خلق خود شدند، برای همیشه در قلب بزرگ خلق زنده‌اند.

★

می‌کرد که کی چه کار را انجام دهد، تدوین این یا آن سند را در جلسه شورای کمیته‌های خلق به چه کسی واگذار کند، و چه سئوالاتی را در آنجا به بحث بگذارد.

توانائی لنین برای درک مضمون يك مقاله روزنامه‌ای، نامه یا سند در يك چشم بهم‌زدن و با يك مرور سریع در آن، واقعاً حیرت‌انگیز بود. بونچ-بروویچ، مدیرکل شورای کمیته‌های خلق، خاطرنشان می‌کند که بدون مشاهده اینکه لنین چگونه اسناد را صدها بار مطالعه می‌کرد باور کردن این مسئله واقعاً غیرممکن خواهد بود و این خصیصه بخاطر قدرت فهم آتی لنین و بخاطر ذهن او بود که به نحوی شگفت‌انگیز تکامل یافته بود.

لنین در فاصله ظهر تا ساعت ۶/۵ همان روز، در اجلاس عمومی (پلنوم) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد. در ساعت ۶، طبق معمول اجلاس نویتی شورای کار و دفاع را آغاز کرد. بیست مساله مختلف در باره امور دولتی و زندگی اقتصادی در دستور جلسه بود و بحثها تا عصر دیروقت ادامه یافت. وقتی جلسه شورای کار و دفاع خاتمه یافت لنین و همسرش نادرژا کروپسکایا به خوابگاه کارگاه‌های عالی هنری و فنی رفتند و با دانشجویان درباره مطالعات آنها، هنر و ادبیات صحبت کردند. لنین با همه اتوریته عظیم و قدرت وسیع‌اش، هرگز درباره مسائلی که در حوزه اختیارات و وظایف ارگان‌های رهبری جمعی قرار داشت و تابع تصمیم‌گیری و بحث جمعی بود، بطور فردی تصمیم نمی‌گرفت. نیکولای مشچریاکوف، یکی از رزمندگان باسابقه حزب بلشویک نوشت: "توجه کنید و ببینید او در سمت ریاست شورای کمیته‌های خلق چگونه رفتار می‌کند و در کنگره‌ها و اجلاس‌ها چگونه صحبت می‌کند. او با توجهی بیش از هرکس، به سخنان دیگران گوش می‌دهد. او هرگز عجله‌ای برای سخن گفتن و ارائه نظرش ندارد. اما وقتی سخن می‌گوید و نظر ارائه می‌دهد، با اتوریته‌اش دیگران را مورد عتاب قرار نمی‌دهد. او فقط قدرت منطق‌اش را برای متقاعد کردن دیگران بکار می‌گیرد. شما هرگز نخواهید شنید که لنین بگوید: "من خودم"، او همواره می‌گوید: "ما کمونیست‌ها!"

لنین... یا کوب‌گیدین، که در دهه ۱۹۲۰ در کرم‌لین کار می‌کرد، نوشت: "وقتی بیاد بیاورید لنین با چه شور و حرارت و با چه شدتی کار می‌کرد، چه انرژی جوشانی در عرصه‌های بسیار متنوع کار از خود نشان می‌داد و با این انرژی که بنظر می‌رسید حد و مرزی ندارد چگونه دیگران را تحت تاثیر قرار می‌داد، شما شگفت‌زده خواهید شد و از خود سئوال خواهید کرد: آیا شبانه روز لنین نیز مانند دیگران از ۲۴ ساعت تشکیل می‌شد؟"

لنین مردی واقعاً همجانبه بود؛ او رهبر دفتر سیاسی کمیته مرکزی، شورای کمیته‌های خلق (حکومت جمهوری شوروی)، شورای کار و دفاع بود و فعالانه در امور نهادهای عمده دولتی شرکت می‌کرد.

این تصویری بسیار ناکامل از روزگار معمولی رئیس شورای کمیته‌های خلق در کرم‌لین است.

آن روز، ۲۵ فوریه ۱۹۲۱، لنین کار خود را با بررسی مطبوعات و نامه‌هایش آغاز کرد. کوهی از کاغذ روی میز تحریرش پشته شده بود، جدیدترین روزنامه با تازه‌ترین اخبار، نشریات خارجی، تلگرامها، گزارش‌های کمیته‌های خلق (وزراء)، پیام‌های تلفنی روزانه وزارت حمل و نقل و ارتباطات درباره تحویل غلات به مسکو و پترزگرا (لنینگرا کونو). همه مسائل حیاتی مربوط به زندگی کشور در زمینه‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی در اینجا متمرکز بود. به نظر غیرممکن می‌رسید که آدم بتواند از میان این توده مترکم کاغذ راه خود را باز کند و به سرعت به يك تصمیم اساسی و آنهم غالباً درست‌ترین تصمیم ممکن دست یابد. با اینهمه، لیدیا فوتیوا (۱۹۷۵-۱۸۸۱)، از فعالین جنبش انقلابی روسیه و منشی لنین در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۴)، منشی شورای کمیته‌های خلق می‌دانست که چند ساعت پس از مطلع ساختن لنین از مسائل مبرم، انجام کارهای محوله در روز قبل و ترك اطاق مطالعه وی، او همه این مطالب را خواهد خواند و در ضمن آن با مداد کاغذها را با علائم تعجب و سئوال منقش خواهد کرد. او نه تنها همه چیز را می‌خواند بلکه مشخص

به یاد شهدای خلق خسرو... بقیه از صفحه ۸
آنان سوال می‌کرد. تمام اوقات از طریق مورس با هم در حال مبادله خبر و بحث و گفتگو بودیم. اخباری که از زندانیان تازه‌وارد گرفته و یا کاه‌از دهان مأمورین زندان بیرون می‌کشیدیم ردوبدل می‌کردیم در زندان اوین توانسته بودیم با یکی از گروه‌بانیان زندان روابط باصلاح خوبی برقرار کنیم. گروه‌بانی "ک" بدون اینکه از اوضاع و احوال سیاسی چیزی بداند به ما خیلی نزدیک شده بود. روزهای که کشیک او بود، اوضاع بر وفق مراد بود. ما حقیقتاً لحظه شماری می‌کردیم تا نوبت به کشیک گروه‌بانی "ک" برسد. روزهای نگهبانی "ک" با کرامت ملاقات حضوری داشتیم و شب موقعیکه از نیامدن سرنگهبان مطمئن میشدیم، از سلول بیرون آمده و تا صبح با هم صحبت می‌کردیم. گاهی اوقات بعضی دیگر از رفقا بجمع ما اضافه میشدند. در روز نوبت نگهبانی گروه‌بانی "ک" در حالیکه بدیوار سلولش می‌کوبیدم، بلند صدا می‌زدم "گرا". جواب او صدای خنده‌داری بود که همه زندانیان را به خنده وامیداشت. سپس می‌گفتم "کرا بخوان". کرامت صدای خیلی خوب

☆ به یاد شهدای خلق خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان ☆

خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان نمونه‌هایی درخشان از پایداری انقلابیون کمونیست در برابر رژیم شاه بودند. به دشمن نه گفتند و نیک می‌دانستند که این یعنی مرگ سرخ. برای یک انقلابی لحظاتی فرا میرسد که مرز میان مرگ سرخ و زندگی ننکین به مرز میان نه و آری تبدیل میشود و به ناچار انقلابی برای آن که به خلق خویش و به آرمان خود وفادار بماند، راه دیگری جز استقبال از مرگ ندارد. خسرو و کرامت چنین کردند، در حالیکه بزندگی عشق می‌ورزیدند.

آبانماه سال ۵۲ بود، با خسرو گلسرخی برای اولین بار و آخرین بار ملاقات کردم. ماجرا بدین قرار است: بیش از یکسال بود که ما را از زندانهای دیگر برای اعمال فشار و گرفتن مصاحبه تلویزیونی بزدان قزل قلعه و سپس اوین منتقل کرده بودند. دشمن هر راهی که می‌شناخت و هر کاری که از دستش برمی‌آمد، برای به تسلیم کشاندن ما انجام داده بود، اما بی‌فایده بود، دشمن بیهوده انتظار می‌کشید. عضدی و رسولی بر این باور بودند که با طولانی شدن این وضعیت خسته

خواهیم شد. چهارم آبانماه روز تولد شاه بود. زندانیان طبق رسم معمولشان بزدانیان بسته‌های شیرینی میدادند. تصمیم گرفتیم برای نومیگردن دشمن از تاکتیکی که در قبال ما در پیش گرفته بود، ضحمله‌ای را آغاز کنیم. نگهبان در حالیکه بسته‌های شیرینی در دستش بود، وارد اتاق ما شد، اما با ناباوری مشاهده کرد که "ما شیرینی نمی‌گیریم" او باور نمی‌کرد، در حالیکه به ما خیره شده بود، بسزمت از اتاق بیرون رفت و لحظاتی بعد با حالتی انتقامجو رفیق کلانتری را صدا زد. ما انتظارش را داشتیم و آماده بودیم. رفیق سعید کلانتری اولین نفر بود و پس از آن بنرتیب رفقای دیگر: تیمسار وزیری به خیال خویش سعی کرده بود منظره خیلی وحشتناکی بوجود آورد. دایره‌ای از شکنجه‌گران در حیاط اوین ایجاد کرده بود. هر زندانی بمحض اینکه از ساختمان خارج و به حیاط زندان وارد میشد خود را با مشت و لگد و سپس شلاق شکنجه‌گران روبرو میدید و پس از آن به سلولهای بالای اوین.

در سلول پس از چند لحظه استراحت و مالیدن

که ریشه در اعماق جامعه دارد.

مقاومت خلق کرد و مبارزه حزب دموکرات به عنوان نیروی سیاسی عمده این مبارزه هرچند که جمهوری اسلامی را در مساله سرکوب جنبش کردستان و به خاموشی کشاندن این جنبش ناکام گذارده، اما هنوز به اهداف عادلانه خویش نرسیده است. امروز جنبش خلق کرد بدلیل ظرفیت‌های نیرومندی که در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی از خود نشان داده است، در مجموعه جنبش انقلابی ایران جای ویژه‌ای را کسب کرده و به یکی از عرصه‌های مهم جنبش انقلابی ایران تبدیل گردیده است.

اما این جنبش درعین حال دارای ضعف‌هایی است که برای غلبه بر آنها می‌بایست اولاً مبارزه ملی با خواسته‌های طبقاتی کارگران و دهقانان، کردستان در پیوند تنگاتنگ قرار گیرد، ثانیاً میان جنبش سراسری خلقهای ایران به ویژه جنبش طبقه کارگر ایران با جنبش خلق کرد پیوند هرچه بیشتری برقرار گردد. این پیوند هم جنبش ملی کردستان را نیرومند می‌سازد و هم جنبش انقلابی سراسر ایران را تقویت می‌کند. و تنها با تلفیق چنین مبارزه‌ای در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق است که شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" متحقق خواهد شد و خلقهای ایران به اهداف عادلانه خود خواهند رسید.



دوری بنه‌دان سالگرد جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد.

دوم بهمن ماه (دوی ری بنه‌دان)، سالگرد جمهوری خودمختار کردستان ایران است. در سال ۱۳۲۴ در شرایط پس از سقوط رژیم استبدادی رضاخان، پیروزی بر فاشیسم و آغاز مرحله نوین در رشد جنبش‌های رهائیبخش ملی، حزب دموکرات کردستان با پشتیبانی خلق کرد و حمایت دیگر نیروهای ترقی خواه ایران، جمهوری خودمختار کردستان را بنیاد نهاد.

حزب دموکرات کردستان با اتکاء به پایگاه گسترده توده‌ای خویش، توانست در مدتی کمتر از یکسال اقدامات مهمی در زمینه اصلاحات اجتماعی و فرهنگی انجام دهد.

جمهوری خودمختار کردستان و اصلاحات انجام شده توسط آن، تهدیدی جدی علیه غارتگران، و رژیم شاه بشمار می‌رفت. رشد جنبش انقلابی در نقطه‌ای از ایران و امکان گسترش آن به سایر نقاط رژیم شاه و امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا را به وحشت انداخته بود. ارتجاع در حال تدارک قوا برای حمله و یورش به کردستان بود. و سرانجام در آذرماه ۱۳۲۵ یورش سنگین و گسترده را علیه خلق قهرمان کرد و نیروهای ترقیخواه کردستان آغاز کرد. ارتجاع با سرکوب جنبش ملی خلق کرد و به شهادت رساندن رهبرانی چون قاضی محمد و صدر قاضی توانست به عمر کوتاه جمهوری خودمختار پایان دهد. رژیم شاه خائن اگرچه با کمک زمینداران بزرگ و برخی از سران عشایر و با اتکاء به نیروهای سرکوبگرش و حمایت امپریالیست‌ها توانست سلطه خویش را بر خلق کرد تحمیل کند، اما مبارزات خلق

کرد، علیرغم فراز و نشیب‌هایش، هیچگاه خاموش نگردید خود را تا انقلاب بهمن که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق کرد است، حفظ کرد. خلق کرد نقشی فعال در انقلاب بهمن ایفاء کرد. اما رژیم جمهوری اسلامی، حکومتی نبود که بتواند به خواست تاریخی خلق کرد پاسخی مثبت دهد. پاسخ جمهوری اسلامی به خواست عادلانه خلق کرد، چیزی جز همان پاسخ رژیم گذشته نبود. و امروز که خلق قهرمان کرد و نیروهای ترقیخواه سراسر ایران، سالگرد جمهوری خودمختار کردستان و یاد شهدای خلق کرد را گرامی می‌دارند، بیش از پنج‌سال از تهاجم و یورش نظامی جمهوری اسلامی به کردستان و مقاومت عادلانه خلق کرد می‌گذرد.

در این مدت رژیم جمهوری اسلامی هرآنچه که در توان داشته، علیه خلق قهرمان کرد و رزمندگان کردستان بکار برده است. سیاست سرزمینهای سوخته مسدود کردن چشمه‌ها، تخلیه اجباری روستاها، محاصره اقتصادی، بمباران شهرها و روستاها، گشتارهای دسته‌جمعی، اعدام، زندان و شکنجه رزمندگان کارنامه سیاه و ننگین رژیم خمینی در کردستان را تشکیل می‌دهد.

اما علیرغم تمامی این اقدامات و وحشیگری‌ها، خلق کرد به مبارزه عادلانه و مقاومت قهرمانانه خویش ادامه داده و در برابر رژیم پایداری نموده است.

تجربه مبارزات خلق کرد، بویژه مبارزه آن در سالهای اخیر بار دیگر ثابت کرد که مساله ملی بویژه در کردستان، سرچشمه جنبشی نیرومند است

حق تعیین سرنوشت، خواست عادلانه خلقهای ایران است

کنفرانس سراسری علمی کار بردی در اتحاد شوروی

در اواسط دسامبر ۱۹۸۳ يك كنفرانس سراسری علمی کاربردی (ناظر ومعطوف به عمل) تحت عنوان "تکمیل سوسیالیسم نضج یافته و کار ایدئولوژیک حزب در پرتو تصمیمات پلنوم ژوئن ۱۹۸۳ کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش." در مسکو برگزار گردید. این کنفرانس که از لحاظ گستردگی و ابعاد آن از زمان لنین به اینسو بی سابقه است از جمله اقداماتی است که در جهت تحقق بخشیدن به قراردادهای پلنوم فوق الذکر و تدارک کنکره ۲۷ - ح.ک.ا.ش. ۱۰ می.آید.

در پلنوم ژوئن ۱۹۸۳، پس از گزارش کنستانتین چرنکو و يك سری سخنرانی‌های دیگر، یوری آندروپوف دبیر کل وقت کمیته مرکزی حزب جهات اصلی فعالیت ایدئولوژیک حزب در مرحله جاری را چنین خلاصه کرد ۱ - " ضروری است که ما کل کار ایدئولوژیک، آموزشی و تبلیغی خود را به سطح لازم برای انجام وظایف عظیم و پیچیده‌ای که حزب باید در روند تکمیل سوسیالیسم نضج یافته، انجام دهد ارتقاء دهیم ... ما آشکارا شاهد زیان جدی هستیم که در نتیجه سستی در این کار ... بوجود آمده است ... ۲ - ما مجموعه عظیمی از وسایل تعلیم و آموزش در اختیار داریم که مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تبلیغ شفاهی و شبکه عظیم موسسات آموزشی از انواع گوناگون را در بر می‌گیرد. ... ضروری است که از این وسایل درست تر، فعالتر و بنحوی خلاق استفاده کنیم و در این کار سطح آموزش و نیازهای مردم شوروی را در نظر بگیریم. ما باید چیزهای زیادی هنوز یادگیریم و در این رابطه دشمنان اصلی ما فرمالیسم، کلیشه‌ای فکر کردن، عدم شجاعت و بعضی مواقع هم چنین تنبلی فکری است. "

۳ - " مسئله کادرها: همه کمیته های حزبی - از جمهوریها گرفته تا استانها، مناطق، شهرها و نواحی - باید کادرهایی داشته باشند که با آموزش ویژه بتوانند کار ایدئولوژیک با گروههای مختلف مردم را آنچنانکه باید سازمان دهند. "

۴ - " ضروری است سطح کار ایدئولوژیک و تئوریک را در حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی و قبل از همه سطح کار موسسات علمی و هر دانشمند جداگانه‌ای را به نحوی قابل ملاحظه بالا ببریم. در این زمینه باید يك چرخش قاطع به سوی وظایف واقعی و عملی که زندگی در جامعه ما مطرح می‌کند انجام گیرد. " ۵ - "رتزیبیر سیک کار شبکه آموزش سیاسی، شبکه تعلیمات سیاسی توده‌ها باید نقش بزرگی ایفاء کند. " ۶ - " درکل کار آموزشی و تبلیغی باید بطور مداوم ویژگی‌های دوره تاریخی کنونی بشریت را که با رویارویی دوتام سوسیالیستی و سرمایه‌داری مشخص می‌شود در نظر گرفت. " آینده همباز زیادی به نتیجه مبارزه ایدئولوژیک بستگی دارد. تنها براین مبنا می‌توان دریافت که آگاه شدن همه جهان از برتری جامعه سوسیالیستی، مزایای آن و سیاست صلح آن به نحوی ملموس و متقاعدکننده چه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. "

ی. آندروپوف خاطر نشان کرد که "همه کمیته‌های حزبی در همه سطوح و همه سازمانهای حزبی باید درک کنند که علی‌رغم اهمیت همه مسائل دیگری که آنها باید مورد توجه قرار دهند (مسائل اقتصادی،

سازمانی وغیره)، کار ایدئولوژیک بیشتر و بیشتر در سطح اول قرار می‌گیرد. " و اضافه کرد که اهمیت این کار در آن است که " کار ایدئولوژیک و آموزشی، قبل از هر چیز به روابط بین حزب و توده‌ها مربوط می‌شود. " او سپس این مسائل در رابطه با طرح جدید برنامه حزب که بنا به قرار کنکره ۲۶ باید در کنگره آتی تصویب شود مورد بحث قرارداد و گفت " برنامه حاضر، همانگونه که قرار می‌گیرد، قوانین اجتماعی تکامل جهانی، و اهداف و وظائف اساسی مبارزه مردم شوروی برای کمونیسم را در مجموع بدرستی مشخص می‌کند. اصول اساسی آن را زندگی تأیید کرده و بسیاری از آنچه که در برنامه نوشته شده اجراء گردیده است. با ایتهمه، باید رگ و راست گفت که بعضی از مواد آن بطور کامل در برابر آزمون زمان تاب نیاورده است برای اینکه حاوی عناصری بوده که ضمن پیش بینی و غرق شدن در جزئیات امر از واقعیت منحرف شده است. علاوه بر این، تغییرات زیادی در بیست سال گذشته در زندگی جامعه شوروی، در زندگی کشورهای سوسیالیستی دیگر و در تکامل جهانی بطور عام بوجود آمده است. همه اینها مستلزم يك مطالعه عمیق تئوریک است و باید در جریان تدوین استراتژی طولانی مدت حزب در عرصه سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار گیرد. "

آندروپوف بر ضرورت ارائه يك تحلیل واقعی از وضعیت موجود و شاخص‌های مطمئن از آینده که تجربه زندگی را به اهداف نهائی حزب کمونیست ارتباط می‌دهد تأکید کرد و گفت در این زمینه " برای درک شایسته چشم‌اندازها در اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی قبل از هر چیز لازم است خصلت مرحله تکامل اجتماعی را که ما اکنون از سر می‌گذرانیم بطور دقیق مشخص کنیم. " او خصلت مرحله تکامل کنونی جامعه شوروی را - برخلاف نظرات ذهنی کرایانه دهه ۱۹۶۰ که می‌گفت اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۰ به کمونیسم خواهد رسید و برخلاف نظرات تعدیل شده‌ای که مرحله سوسیالیسم نضج یافته را در اتحاد شوروی پایان یافته و آن را در جریان ساختن کمونیسم می‌دانستند - چنین فرمولبندی کرد " در شرایط کنونی، برنامه حزب باید قبل از هر چیز برنامه‌ای برای تکمیل تدریجی و متنوع شکل سوسیالیسم نضج یافته و از این طریق برنامه‌ای برای پیشروی بعدی به سوی کمونیسم باشد. "

آندروپوف در تشریح این ایده جدید گفت که " مادر تکامل اجتماعی‌مان به آن حد تاریخی رسیده‌ایم که تغییر کیفی عمیق در نیروهای مولده و براین مبنا تکمیل روابط تولید نه تنها به يك ضرورت مبرم تبدیل شده، بلکه اجتناب ناپذیر گردیده است. " او گفت " در عرصه اقتصادی مسئله کلیدی بالابردن اساسی بارآوری کار است. " و پس از آن به ضرورت " استفاده از توان تولید علمی و فنی کشور به معقول ترین شکل ممکن " غلبه بر عقب ماندگی‌ها در بعضی از شاخه‌های اقتصاد مانند کشاورزی، حمل و نقل و عرصه خدمات، " تقویت انضباط و نظم، ارتقاء روحیه سازمان‌نگرانه و احساس مسئولیت " اشاره نمود. آندروپوف گفت " راه اساسی برای پیشرفت کیفی در نیروهای

مولده ... تلفیق واقعی برتری های نظام سوسیالیستی با دستاوردهای انقلاب علمی و تکنولوژیکی است. " و در همین رابطه از یکسو بر لزوم کار شدید و خلاق از سوی " کمیته دولتی برای برنامه‌ریزی "، " آکادمی علوم " و " کمیته دولتی برای علم و تکنیک " و از سوی دیگر بر ضرورت " کاهش قابل ملاحظه از میزان کار ییدی "، از طریق " مکانیزه کردن " و " استفاده وسیع از روبات ها (آدمهای مصنوعی)، بویژه در بخش‌هایی که هنوز کار ییدی دشوار مورد استفاده است " پای فشرده. در زمینه تکمیل روابط تولیدی سوسیالیستی آندروپوف، جهات مهمی چون حرکت در جهت " یگانگی دوشکل مالکیت سوسیالیستی در يك شکل واحد و یکپارچه، در مالکیت تمام خلقی "، تنظیم کامل رشد جامعه بر اساس اصل اساسی سوسیالیسم، یعنی " توزیع بر اساس کار انجام شده "، " بهبود اساسی در برنامه‌ریزی و مدیریت و تشدید مبتکرانه سازمانگری رقابت سوسیالیستی را مورد تأکید قرارداد. او گفت طرح جدید برنامه باید همه این مسائل را دربرگیرد. "

ی. آندروپوف در ادامه سخنانش در این پلنوم گفت " حزب از این واقعیت حرکت می‌کند که در سالها و دهه‌های آینده تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در روبنای سیاسی و ایدئولوژیک و در زندگی معنوی جامعه به همراه خواهد آورد. " او ابتدا از " تکامل سیستم سیاسی، تکمیل دولت شوروی، از گسترش دموکراسی سوسیالیستی " سخن گفت و در این زمینه ضمن برشمردن موادی از برنامه موجود که اجرا شده‌اند (تقویت قابل ملاحظه نمایندگان شوراها با مردم، شرکت همه مردم در جریان بحث پیرامون طرح‌های مهم ترین قوانین، افزایش نقش کنترل خلقی و افزایش نقش سندیکاها)، بر نیازهایی چون الف) " بازهم دموکراتیک تر کردن " جریان تصمیم گیری درباره مسائل مهم از طریق درگیر کردن مجتمعات زحمتکش، توجه به نظرات سندیکاها، سازمانهای جوانان و زنان در موارد مربوطه و بیشترین توجه به پیشنهادات زحمتکش، ب) ضرورت " محدود کردن وساده کردن دستگاه اداری "، ج) توسعه نهادهای دموکراتیک ویژه اداره تولید انگشت گذاشت. آندروپوف خاطر نشان ساخت که عملکرد طبیعی نظام اجتماعی ما و توسعه دموکراسی سوسیالیستی " بدون رعایت دقیق قوانین حامی منافع جامعه و حقوق شهروندان غیر قابل تصور است. بویژه ضروری است یکبار برای همیشه به پدیده‌ای چون بهره‌برداری از اموال دولتی، از اموال عمومی و از موقعیت شخصی در سلسله مراتب اداری برای افزودن ثروت شخصی پایان داده شود. چرا که این کار در جوهر خود اقدامی است که خود بنیادهای نظام ما را خدشه‌دار می‌کند. " او با تأکید مجدد اعلام داشت " ما باید چنگ واقعی علیه پراکتیکی اعلام کنیم که باعث می‌شود ضوابط و نهادهای دموکراتیک ما با اقدامات عملی پشتیبانی نشود و آنها خود را با پرداختن به شکل صرف و به ظواهر امر راضی نگه می‌دارند. واقعا " هم، کردهائی. و ما غالبا " با این نوع کردهائی‌ها مواجه می‌شویم. "

کنفرانس سراسری ♦♦♦ بقیه از صفحه ۹

که بر اساس یک سناریو از قبل آماده شده پیش رود ، در آن از بحث مفید و صریح خبری نباشد ، نوشته‌های سخنرانان از قبل ادیت شود ، ابتکارات و بطریق اولی انتقادات ناشنیده گذاشته شده و خفه شوند ، چه فایده‌ای دارد ؟ سندیکائی که جرات نداشته باشد صدایش را در دفاع از منافع زحمتکشان ، و علیه این یا آن کمبود در تولید بلند کند به چه درد می‌خورد ؟ مامورین کنترل عمومی چه خدمتی می‌توانند بکنند اگر رهنمودهای آنها مورد ملاحظه قرار نگیرد و به تدابیر ضرور منجر نگردد ؟

ی . آندروپوف نتیجه گرفت که " بسیار مهم است کاری کنیم که حرف ما هرگز از عمل جدا و منحرف نشود ، که مضمون مسائل جای خود را به شکل ندهد . باید گفت که این یکی از پیش‌شرط های اصلی لازم برای تکمیل دموکراسی سوسیالیستی در همه سطوح زندگی دولت و جامعه است ."

ی . آندروپوف سپس به جوانب دیگری از مسئله مورد بحث پلنوم ، چون مسئله ملی و آموزش مردم شوروی با روحیه انترناسیونالیستی ، مسئله آموزش فرد از اولین سالهای زندگی اش و نقش هنر و ادبیات در این زمینه ، احترام به " استعدادها و تحقیقات هنرمندان بدون دخالت اشکال و سبک آفریده‌های آنها " و در عین حال رد " بی‌تفاوتی در قبال مضمون ایدئولوژیک آنها " ، تاثیرگذاری در آفریده‌های هنر از طریق انتظار مارکسیستی لنینیستی " و رد اعمال نفوذ " از طریق اداری " را مورد بحث قرار داد . او همچنین ضرورت برخورد فعال کارکنان علوم اجتماعی و ارائه راه‌حل‌های علمی برای مسائل جامعه مورد تاکید قرار داد و چنین گفت " استراتژی حزب برای تکمیل سوسیالیسم نضج یافته باید بر بنیادهای تئوریک مستحکم مارکسیسم - لنینیسم اتکاء داشته باشد . ولی ، باید رگ و راست گفت که ما هنوز جامعه‌ای را که در آن زندگی و کار می‌کنیم مورد مطالعه عمیق قرار نداده‌ایم ، ما قوانین خصلت نمای این جامعه بویژه قوانین اقتصادی آن را بطور کامل کشف نکرده‌ایم . بدین دلیل است که گاهی به اصطلاح امپریستی ، نسبتاً " غیرمعمول و بر اساس آزمون و خطا عمل می‌کنیم ."

ی . آندروپوف در بخش آخر سخنرانی خود از بعضی مسائل بین‌المللی مهم سخن گفت . او از جمله مسائل تکامل نظام جهانی سوسیالیستی را مورد بحث قرار داد و چنین نتیجه گرفت " تحلیل علمی عینی از ریشه اختلافاتی که در قبال این یا آن مسئله بین کشورهای مختلف سوسیالیستی و همچنین بین بعضی احزاب برادر در جنبش جهانی کمونیستی بوجود می‌آید ، و به همان ترتیب جستجوی راه‌حل‌هایی برای غلبه بر این اختلافها بر مبنای مارکسیستی - لنینیستی و تقویت انسجام و همبستگی کمونیستها ، بدون شك از وظایف مهم حزب در عرصه بین‌المللی است . اگر بخواهیم به واقعیتها وفادار بمانیم برنامه باید از این مسائل صحبت کند ."

در فاصله یک و نیم سالی که از پلنوم ژوئن ۱۹۸۳ می‌گذرد کارهای زیادی برای اجرای قرارهای این پلنوم و نیز تدارک کنگره ۲۷ ج . ک . ۱۰ ش انجام شده‌است . از جمله چند مسئله مشخص مطرح شده در آن پلنوم نظیر سیستم آموزش و تعلیمات و نیز مسائل سازمان جوانان در پلنوم‌های جداگانه‌ای

مورد بررسی قرار گرفته است . پلنوم آتی کمیته مرکزی حزب نیز قرار است مسائل تسریع پیشرفت علمی و تکنولوژیک را مورد بررسی قرار دهد .

کنستانتین چرننکو ، دبیرکل ح . ک . ۱۰ ش . در پیامی خطاب به نمایندگان کنفرانس وظایف عمده جبهه کار ایدئولوژیک را که از تصمیمات پلنوم فوق‌الذکر استنتاج می‌شود فرمولبندی کرد . در این کنفرانس سخنرانان زیادی از مناطق مختلف اتحاد شوروی و سطوح مختلف فعالیت حزبی مسائل مطروحه را مورد بحث قرار داده‌اند . سخنران اصلی کنفرانس ، میخائیل گورباچف ، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی ح . ک . ۱۰ ش . گزارشی درباره ، موضوع کنفرانس و اهمیت آن ارائه داد . او گفت : یکسال و نیمی که از پلنوم ژوئن می‌گذرد ، نشان‌دهنده است که تصمیمات آن چقدر بموقع و همجانبه بوده‌اند این پلنوم یا قراردادن کار ایدئولوژیک در خط مقدم جبهه و ارائه مفهومی وسیع از ایدئولوژی بعنوان عرصه اندیشه ، عمل و آموزش ، درک مبتکرانه‌ای از کار ایدئولوژیک را شکل داد ، و برک جدیدی را در حیات ایدئولوژیک حزب ورق زده است .

م . گورباچف گفت یکی از شالوده‌های اساسی خط مشی استراتژیک حزب و بهبود بیشتر کار ایدئولوژیک و کل کار سیاسی حزب در رهنمودها و تعاریفی است که توسط ک . چرننکو درباره سطح کنونی بلوغ اجتماعی جامعه فرموله شده‌است . این نتیجه که ما در آغاز یک مرحله تاریخی " طولانی سوسیالیسم نضج یافته هستیم به نحو عمیقی اثبات شده‌است . مفهوم سوسیالیسم نضج یافته که حزب تدوین کرده است بر این مینا مشخص می‌شود .

ارزیابی‌ها و نتیجه‌گیری‌های بدست آمده به ما هشدار می‌دهد که چهار گزافه‌گویی یعنی مغشوش کردن آنچه داریم و آنچه که باید بدست آوریم نشویم . از سوی دیگر این ارزیابی‌ها و نتیجه‌گیریها بر روشنی مدلل می‌سازد که کندی در فعالیت عملی در حل مسائل مبرم و در غلبه بر عقب ماندگی‌ها غیرقابل قبول است .

ضروری است که تغییرات عمیقی در اقتصاد و در کل نظام روابط اجتماعی صورت گیرد و سطح کیفی " عالی‌تری برای زندگی مردم شوروی تامین شود . در نتیجه این تحولات سوسیالیسم به مرحله جدیدی از بلوغ خواهد رسید .

سخنران گفت امکانات گسترده برای تسریع رشد اقتصادی - اجتماعی جامعه ، در تلفیق ابتکار و عمل مستقل توده‌ها و برخورد علمی و خلاق با مسائل مبرم نهفته است . او اظهار داشت که کارآیی علوم اجتماعی از زمان برگزاری پلنوم ژوئن افزایش یافته است ، اما دانشمندان علوم اجتماعی هنوز کند و خجالتی با مسائل تئوریک برخورد می‌کنند . او به برخی از این مسائل اشاره کرد :

- ارائه درکی کامل از راه‌های گذار به یک اقتصاد پویا و شدیداً کارآمد و قالب ریزی یک مکانیسم اقتصادی کاملتر ،

- کنش متقابل نیروهای مولده جدید و روابط تولید سوسیالیستی ،

- تکامل خودحکومتی سوسیالیستی مردم ، - به حساب آوردن منافع گروه‌های اجتماعی مختلف در نظام سیاسی ما و بسط خلاق علمی اصل

سانترالیسم دموکراتیک در شرایط کنونی . گورباچف گفت تحقیقات تئوریک عمیقی از این نوع ، به حزب کمک خواهد کرد تا مسائل علمی را موفقیت آمیزتر حل کند . او بویژه وظیفه دستیابی به تشدید اساسی تولید اجتماعی ، بالا بردن بارآوری و نرخ رشد اقتصادی بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و تکنیکی را مورد تاکید قرار داد و گفت این روند باید از همان خصلت سراسری و همان مفهوم سیاسی گسترده‌ای برخوردار شود که در دهه ۱۹۳۰ روند صنعتی کردن کشور داشت .

سخنران گفت که پیشرفت علمی و تکنیکی مستلزم توجه دقیق‌تری به سطح فرهنگی و فنی طبقه کارگر و دهقانان و بهبود آموزش و تکمیل نیروهای مولده اصلی جامعه است و این امر به نوبت خود در گرو بازسازی جدی نظام آموزش پرسنل - از آموزش عمومی و حرفه‌ای تا موسسات آموزش عالی - است . این کار هم‌اکنون در جریان است ولی باید ابعاد گسترده‌تری بخود بگرد .

گورباچف با اشاره به پنجاهمین سالگرد جنبش استاخانوفیستی اظهار داشت که ما باید با نگاه دوباره و جدیدی بسیاری از جنبه‌های رقابت سوسیالیستی را مورد توجه قرار دهیم و از روش‌ها و برخوردهای منسوخ و کهنه دست برداریم . اهداف اصلی این کار در حال حاضر عبارت است از حفظ دقیق آهنگ کار ، اجرای بموقع پیمانها ، کیفیت بالای محصول ، بکارگیری تکنولوژی جدید و تسلط بر آن ، و استفاده کامل از هر دقیقه زمان کار ، هر تن از مواد خام و هر روبل ، او گفت در این زمینه بسیار مهم است که از جنبش توده‌ای موجود (؟ روز کار در سال یا مواد خام وسوخت صرفه‌جویی شده) که مدام گسترش می‌یابد با تمام وسائل و ابزار ایدئولوژیک موجود حمایت کنیم .

م . گورباچف تاکید کرد که از نظر کمیته مرکزی حزب توجه به مسائل اجتماعی - صرفنظر از اینکه در مورد چه جنبه‌ای از زندگی باشد - باید قانون حاکم بر تمام سازمان‌های دولتی ، اقتصادی و عمومی ، ارگانهای مرکزی و مقامات محلی باشد . هیچگونه استنادی به شرایط عینی نمی‌تواند عدم توجه به نیازهای مردم را توجیه کند . برای ما کمونیستها این یک اصل است .

سخنران در خاتمه گفت که خلاقیت زنده مردم ضامن پیروزی همه ابتکارهای ماست . ما باید تلاش زیادی برای رساندن جامعه سوسیالیستی به سطحی تازه و عالی‌تر و برای برگزاری ارزشمند کنگره ۲۷ حزب بعمل آوریم .

آخرین نامه

بقیه از صفحه آخر

من چیزهای زیادی دارم که بگویم ، ولی وقت خیلی تنگ است . من هنوز ده دقیقه فرصت دارم . غمگین نباشید ، نگذارید اندوه بر شما غلبه کند . در برابر زندگی قوی باشید ، این خود زندگی است . باید انتخاب کرد . علائق قلبی مرا به سلطان برسانید . من نمی‌توانم نام همه شما و همه دوستان را ذکر کنم ، باشد که مخاطب این نامه همه باشند . با همه وجودم و از صمیم قلب دست همه شما را می‌فشارم و شمارا با اشتیاق کامل در آغوش می‌گیرم قوی باشید ، سرخودرا بلند نگهدارید . من در روزهای خوب درمیان شما خواهم بود .

عموی شما ، برادر شما ، دوست شما ، حیدر

ب - قبل از نوشتن، خبرها و گزارشات، یک نامه معمولی روی کاغذ نامه بنویسید.
ج - مطالبی را که می‌خواهید بصورت نامرئی بنویسید، قبلاً تنظیم کرده و سپس با استفاده از جوهر نامرئی و یک خودنویس، در فواصل نامه توجیهی آن را بنویسید.
د - خودنویس باید کاملاً تمیز و شسته شده باشد.

ه - هنگام نوشتن کنترل کنید که همواره نوک قلم آغشته به جوهر نامرئی باشد.
و - فشار زیاد قلم بر روی کاغذ اثر می‌گذارد. لذا بایستی خیلی نرم بنویسید.
ز - سعی کنید خوش خط و خوانا بنویسید.
ح - پس از اتمام کار مدتی صبر کنید تا نوشته ها خوب خشک شود. سپس نتیجه کار را بازبینی کنید. در صورتیکه اثر نوک قلم بر روی کاغذ مشاهده می‌شود، با لبه صاف یک لیوان، روی کاغذ بکشید تا اثر سحوشود.
ط - در موقع نوشتن، کاغذها را روی هم نگذارید زیرا جوهر نامرئی روی برگ زیرین اثر می‌گذارد و چنانچه از برگ زیرین هم استفاده شود، کلمات درهم و ناخوانا می‌شود.
ی - فقط از یک روی کاغذ استفاده کنید.

ک - از نوشتن اسم و مشخصات و اطلاعات امنیتی در مورد عناصر مبارز و انقلابی چه سازمانی و چه غیر سازمانی اکیداً خودداری کنید.

ل - اطلاعات تشکیلاتی یا شماره تلفن و آدرس خانه نباید مطلقاً نوشته شود. برای این منظور علاوه بر نامرئی نویسی بایستی از رمز نویسی نیز استفاده کرد.

جوهر نامرئی = آب لیموی تازه، آب باطری کهنه، محلول زاج سفید و شیر معمولی و کمپرب موادی هستند که برای نامرئی نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱- آب لیموی تازه را گرفته و با پارچه‌ای نازک آنرا صاف کنید. سپس آن را در خودنویس ریخته و برای آزمایش چندسطری بنویسید. پس از خشک شدن بدقت نوشته را نگاه کنید. چنانچه نوشته‌ها براق باشند قدری آب معمولی به آب لیمو اضافه کنید تا رقیق‌تر گردد. سپس محلول جدید را دوباره آزمایش کنید تا از درستی کارتان مطمئن شوید.

۲- آب باطری کهنه اتوموبیل هم برای نامرئی نویسی مناسب است ولی دقت کنید که حتماً قبل از استفاده مقداری آب به آب باطری اضافه کنید تا آن را رقیق‌تر سازید. سپس محلول را چندبار آزمایش کنید تا از صحت کارتان مطمئن گردید.
۳- محلول زاج سفید - زاج سفید بصورت بلور (مثل نبات) در بازار و عطاریها یافت می‌شود. از زاج سفید برای سفید کردن برنج (پلو) استفاده می‌شود. مقدار ۱۰۰ گرم زاج سفید را در یک لیوان آب بریزید و بهم بزنید. مقداری از آن حل می‌شود. پس از ته‌نشین شدن از صافی عبور دهید. محلول بدست آمده جوهر بسیار خوبی برای نامرئی نویسی میباشد.

۴- از شیر معمولی نیز می‌توانید برای نامرئی نویسی براحتی استفاده نمایید. چربی شیر نباید زیاد باشد.

تمام مواد برشمرده بالا با حرارت (گرم کردن) ظاهر می‌شوند. حتی امکان برای ظاهر کردن نوشته‌های نامرئی، از اطو استفاده کنید.

امکانات دیگر را بکار گرفت. همواره باید در نظر داشت که تلاش آگاهانه و هشیارانه ما می‌تواند شدیدترین سانسورها را ناکام سازد. توجه کافی به اهمیت انتشار اخبار و تجربیات جنبش کارگری و توده‌ای روشن می‌کند که باید با جدیت و انرژی چندین بار بیشتر به انجام این وظیفه همت بگذاریم. امکانات دشمن را بطور واقعی ارزیابی کنیم و با هشیاری انتشار اخبار و تجربیات جنبش کارگری را تقویت کنیم و گسترش دهیم. استفاده از امکانات پست بطور وسیع در اینمورد یکی از وسائلی است که امکان مبارزه قطعی با آن برای حاکمیت‌ها، میسر نیست. هر سال در جهان بطور متوسط بیش از ۲۵۰ میلیارد محموله پستی مبادله می‌شود. در ایران حجم مبادلات پستی بیش از ۱۵۲ میلیون محموله پستی در سال است.

علیرغم تلاش پلیس برای سانسور نامه‌ها این وسیله با رانده‌مان مناسب می‌تواند در خدمت مبارزه انقلابی قرار گیرد. زیرا که کنترل این حجم مبادلات به نیروی انسانی عظیمی نیاز دارد. شدت کنترل از حد معینی نمی‌تواند فراتر رود. با توجه به اهمیت اخبار و گزارشات جنبش کارگری و توده‌ای ما از کلیه اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران و همه نیروهای آزاد اندیش و میهن‌پرست می‌خواهیم که تمامی تلاش خود را بکار بندند تا هرچه بیشتر سازمان را از جزئیات اخبار و وقایعی که در سراسر میهنمان جریان دارد آگاه نمایند. مهمترین و عمده‌ترین وسیله ارسال خبر، پست می‌باشد. باید همواره علیرغم تلاش مزدوران رژیم برای سانسور نامه‌ها، بعلت حجم عظیم مراسلات پستی، این وسیله با رانده‌مان مناسب می‌تواند در خدمت مبارزه انقلابی فرار گیرد.

باید همواره به خاطر داشته باشیم که دشمن در اکثر موارد از کم‌دقتی‌ها بهره می‌گیرد و مانع از ارتباط زنده و فعال می‌گردد. لذا وضع ظاهری پاکت نامه باید بگونه‌ای باشد که هیچ وجه مشخصه‌ای آن را از میلیونها نامه عادی متمایز نکند. بنابراین توجه و دقت فوق‌العاده به نکات زیر ضروریست:
الف - حجم پاکت عادی باشد. یعنی تعداد کاغذهای درون پاکت از ۲ یا ۳ برگ تجاوز نکند. در صورت بیشتر شدن تعداد برگهای نامه می‌توان از ۲ پاکت استفاده کرد.

ب - از نوع پاکتی برای ارسال نامه استفاده کنید که ضمن آنکه کاملاً عادی باشد پس از بستن نامه، لبه‌های آن به آسانی باز نشود.

ج - پشت پاکت آدرس واقعی خود را بهیچ‌وجه ننویسید. بجای آدرس فرستنده از آدرسی که کاملاً ظاهر طبیعی و واقعی داشته باشد استفاده نمایید.
د - از ارسال نامه‌های متعدد از یک منطقه پستی خودداری کنید. و از یک منطقه پستی نیز بطور مدام جهت ارسال نامه استفاده نکنید.

ه - برای مکاتبه با آدرسهای که در نشریه "فدائی" درج گردیده، نامه را به آدرس اقوام آشنایان و یا دوستانتان در خارج پست ننمائید. قبلاً آنها را در جریان بگذارید و از آنها بخواهید نامه‌ها را به آدرس سازمان ارسال نمایند.

نامرئی نویسی

الف - برای نامرئی نویسی از کاغذهای نامه با کیفیت خوب استفاده کنید. کاغذ گاهی جوهر را پخش می‌کند و زحمات نویسنده را هدر می‌دهد.

بما مکاتبه...
بقیه از صفحه آخر
کیف این مبارزه، درک اهداف آن و اشکالی که مبارزه در کارخانه‌ای معین به خود گرفته و شرایطی که این اشکال مبارزه تحت آن شکل گرفته است نیاز دارند.
ستم مشترک و منافع مشترک مبارزه طبقه کارگر را بطور اجتناب ناپذیری متحد می‌کند و پیش می‌راند. این جنبش در صورتی که اهداف مشترکی پیش بکشد و متحداً برای رسیدن به آن مبارزه کند به نیروی شکست‌ناپذیر بدل می‌شود.

اینست که حکام جمهوری اسلامی با تجربه طولانی که در تجزیه کردن نیروها و قطعه قطعه کردن آنها و سرکوب هر قطعه در انزوا و به تفکیک دارند و شامه تیز و غریزه طبقاتیشان خطر را در جبهه طبقه کارگر نشان کرده است و با تمام نیرو کوشش می‌کنند تا آنجائیکه می‌توانند طبقه را در چهارچوب کارخانه‌های متفاوت منفرداً سرکوب کنند تا جائیکه می‌توانند از سرایت جنبش کارگری توده‌ای از بخشی به بخشی دیگر جلوگیری کنند. در نظر بگیرید که چه کوشش رزیلانه‌ای بعمل می‌آید و چه نیرو و چه سرمایه‌ای بکار گرفته می‌شود تا گردش اخبار جنبش کارگری و توده‌ای را در جامعه سد کند. چه مراقبت سنگینی برقرار می‌شود و چه حصار کشیده می‌شود بدور کارخانجات اعتصابی تا خبر اعتصاب آنها به جای دیگر سرایت نکند. چه مانورهای رزیلانه و سالوسانه‌ای فکر و عمل می‌شود تا توده را به آنچه که دهن به دهن به وی منتقل می‌شود بی‌اعتماد کند.

اگر حاکمیت می‌تواند برای هلاکت یک آخوند یا یک کسه جزء که برای وی خیرچینی می‌کند، تعزیه خوانی راه بیندازد، نوحه‌سرای می‌کند و گرد و خاک و ستون دود بپا کند و از آن بیشرمانه پوشش تبلیغاتی جدید برای اعدام بیشتر انقلابیون دست و پا کند، در برابر یک اعتصاب کارگری یا موج اعتراض توده‌ای کاملاً فلج و خلع سلاح است. سینه‌زنی در این مورد مفت نمی‌آورد، بنابراین وحشت مرک وادارش می‌کند تا تمامی نیروهای مزدورورش را بسیج کند تا در مقابل گردش اخبار جنبش در سطح جامعه حصار بکشند و مذبحخانه سد بسازند.

اعلامیه‌هایی که تجربه اعتصاب یک کارخانه را در جامعه منعکس می‌کند، اعتصابات دیگر را نوید میدهد و به اعتصابگران آینده الهام می‌بخشد و آنها را به تجربیات کسب شده مجهز می‌کند.
گردش اخبار جنبش کارگری در سطح جامعه به کارگران امکان میدهد که از مبارزه طبقه‌شان بیاموزند. اینست که حکام شرع و پاسداران اسلام لاینقطع و مذبحخانه سرکوب را گسترش میدهند، اما امکانات حاکمیت در رویارویی با جنبش کارگری - توده‌ای بسیار محدود میگردد.
سرکوب هر قدر شدیدتر ادامه مییابد، انزجار عمیق‌تر توده‌ها را برمی‌انگیزد و آتش اشتیاق آنان را برای شنیدن و منتقل کردن اخبار جنبش، تیزتر میکند و انقلابیون برای تلفیق مبارزه مخفی با امکانات علنی فرصت‌های بیشتری مییابند. در شرایط کنونی انتشار اخبار جنبش کارگری - توده‌ای وظیفه‌ایست انقلابی که اهمیت مبرم دارد زیرا که تلاش‌های رژیم و مزدورانش را نقش بر آب می‌سازد و آنها را درمانده می‌سازد. بهر نحو ممکن باید به انجام این وظیفه همت گماشت و این امر را تقویت کرد. در کنار تبلیغات شفاهی

با ما مکاتبه کنید!

KAR BOX 7082
S-17107 SOLNA SWEDEN
O.I.P.F. P.O. BOX 516
LONDON SW9, 9JW ENGLAND

جنبش کارگری توده‌ای تحت تاثیر استثمار افسارگسیخته، جنگ و فلاکت اقتصادی و تحقیر بیشرمانه و رزیلانه‌ای که سرمایه‌داران، مالکین و صاحب‌منصبان حکومت اسلامی بر کارگران و توده‌های زحمتکش روا می‌دارند، زیر فشار سنگین اختناق با فدائاری و قهرمانی کارگران پیشرو سربلند می‌کند. مبارزه قهرمانانه کارگران کانادادارای، نوب آهن و حوادث اجدیه نمونه‌های برجسته‌ای است

از دهها نمونه، در تأیید این روند عینی در جنبش کارگری و توده‌ای میهنمان.
گسترش حرکات اعتراضی کارگری و توده‌ای وظایف خظیر و پرمسئولیتی را برای تمام کسانی که با هدف از ریشه‌کن کردن رژیم ویرانگر حاکم و استقرار دموکراسی و رهایی و بهروزی کارگران و مردم ستمدیده ایران مبارزه می‌کنند، مطرح می‌سازد. طبقه کارگر بیش از هر زمانی از نبود تشکلهائی که مبارزه وی را در سطح وسیع متحد کند و این مبارزه را به سلاح آگاهی مجهز کند، رنج می‌برد. علیرغم تمام جانفشانی کارگران، بدلیل نبود حزب پیشاهنگ طبقه کارگر که جنبش کمونیستی را در خود متحد سازد، دامنه تاثیر مبارزه آن محدود می‌شود. کارگران پیش از هر چیز از مبارزه طبقه‌شان درس می‌گیرند و پیش از همه به آگاهی از کم و بیش در صفحه ۱۱

وقتی مرگ مفهومی داشته باشد،
به همان اندازه زندگی زیباست.

اگر زندگی يك آواز باشد من تلاش می‌کنم این آواز را به بهترین وجه ممکن بخوانم. سرانجام روزی نیز خواهد رسید که ما آواز پیروزی را سردهیم. من با خوشی و خوشوقتی عازم این مسافرتم، برای اینکه زندگی من، علی‌رغم کوتاهی‌اش، یک زندگی شرافتمندانه و افتخارآفرین بوده‌است. انسان اگر برای اهداف خوب زندگی کند هیچ چیزی خارج از حد تحمل و طاقت‌اش نیست. حتی خودم‌رک نیز آسان میشود، وقتی که مرگ مفهومی داشته باشد، به همان اندازه زندگی زیباست.

من این نامه را درحالی می‌نویسم که چائی می‌نوشم و یک سیگار زیر لب دارم. آنها را به آرامی مزه مزه می‌کنم و لذت می‌برم. من نمی‌دانم کیستم. اکنون تلاش می‌کنم فیلم زندگی‌ام را جمع و جور کنم. کار دشواری است که آدم در یک زمان کوتاه همه زندگی را با جزئیات آن واز اوجی به اوج دیگر دنبال کند.

تو از من خواسته بودی که یک وصیت نامه بنویسم این کار برای من عاجل نبود، ولی برای آن نیز وقت خواهیم داشت. همیشه با آرمان خوب همراهی کنید. این است آرزوی من برای همه شما، گرمای محبت و علائق قلبی مرابه‌همه دوستانم، به همه انسانهای شجاع منتقل کن. من بدون احساس ذره‌ای سرشکستگی و شرمگینی ویا سربلندی عازم و از هیچ کسی انتظار ندارم که خود را به خاطر من ناراحت و اندوهگین کند. این کار بزرگترین خطا در حق من خواهد بود. انسان باید آگاه باشد و بتواند با اندوه زندگی کند.

تو بخاطر من زحمتهای زیادی را تحمل کرده‌ای، آنقدر زیاد که نمی‌توان آن را سنجید. من باید از تو و از دیگران، از همه نمایندگان جهان کار، از همه زحمتکشان جهان سیاست‌گزار باشم و اگر من نتوانستم همه آنچه را که در توانم بود انجام دهم دیگرانی بها خواهند خاست و این وظیفه را به پایان خواهند رساند.

همه حقوق خانوادگی‌ام را به تو و آیدین واگذار می‌کنم. می‌دانم که شما از آنها بخوبی استفاده خواهید کرد.

بقیه در صفحه ۱۰

... آخرین نامه

از زمان به قدرت رسیدن نظامیان و سردهسته آنها کنعان اورن، دیکتاتور ترکیه، در سال ۱۹۸۰، زندان، شکنجه و اعدام در این کشور نپیداد میکند. نظامیان ترکیه پایه های حکومت خود را بر فقر و وسیع زحمتکشان ترکیه و تشدید وابستگی همه جانبه این کشور به قدرتهای امپریالیستی و در راس آنها آمریکا قرار داده‌اند و لذا تنها با سرکوب هر جنبش اعتراضی و زندان و شکنجه و اعدام انقلابیون میتوانند حکومت رسوای خود را ادامه دهند. از کودتای بعد هفته‌ای نیست که ترکیه شاهد دستگیریها و محاکمات وسیع نباشد. تنها درده ماه گذشته بیش از ۶۱۰۰۰ نفر در این کشور بازداشت شده‌اند.

از جمله کسانی که در ماههای گذشته محاکمه و محکوم به اعدام شده‌اند، حیدر اصلان، عضو یکی از سازمان های انقلابی ترکیه به نام دویول (راه انقلابی) است او در آوریل ۱۹۸۰ (پنج ماه قبل از کودتا) و همزمان با اعتصاب کارگران کارخانه تارپس در منطقه فقیر نشین از میر دستگیر شده است. ارتجاع ترکیه حیدر اصلان را نیز مانند سایر مبارزین سیاسی به جرم " اقدام برای تغییر نظم قانونی با توسل به قهر" به اعدام محکوم کرد. دولت‌های امپریالیستی که در دم‌زدن از "جهان آزاد" با کنعان اورن هم‌صدا هستند این جنایات را با بکلی نادیده می‌گیرند و از گسترش دموکراسی در ترکیه حرف می‌زنند. چند روز قبل از

اعدام یک هیئت پارلمانی متشکل از نمایندگان حزب کمونیست فرانسه برای نجات جان حیدر اصلان به ترکیه مسافرت کرد اما تنها پاسخ اورن پائین کشیدن طناب دار بود. آنچه در زیر می‌خوانید آخرین نامه حیدر اصلان است که ده دقیقه قبل از اعدام نوشته است.

آقادات عزیز،
من نامه بلندبالائی نخواهم نوشت. من خود را برای این لحظه آماده کرده بودم. آخرین مسافرت من باید به همان اندازه زندگی من زیبا باشد. آیا باید اندوهگین باشیم؟ عزیزانم، چنین چیزی خواست من نیست. من حرفهای گنده زدن را بیفایده میدانم همه چیز باید درست مثل زندگی ما روشن و ساده باشد.

گرامی باد خاطره رفقای

شهید بهمن ماه

- ★ پوران یداللهی
- ★ بهروز عبدی
- ★ یوسف زرکاری
- ★ آتوشه فضیلت کلام
- ★ حسن فرجودی
- ★ حسن نوربخش
- ★ حسین چوچاچی
- ★ کیومرث سنجرى
- ★ فردوس آنا ابراهیمیان
- ★ هوشنگ نصیرخالد
- ★ قاسم سیادتى
- ★ مسعود پرورش
- ★ ابراهیم پور رضائی
- ★ عبدالمجید بیرزاده جهومی
- ★ مصطفی دقیق همدانی
- ★ جعفر محتشمی
- ★ شیرمحمد درخشنده توپاج
- ★ طواق حمد واحدی
- ★ عبدالحکیم مختوم
- ★ حسین جرجانی
- ★ رحیم سماعی
- ★ مهدی اسحاقی
- ★ حمید عابدزاده
- ★ محمدعلی ملکوتیان

چاپ جدید طرح برنامه سازمان منتشر شد

با توجه به اتمام نسخه‌های چاپ پیشین، طرح برنامه سازمان مجدداً چاپ و توزیع شد. این طرح برنامه بیانگر مواضع ایدئولوژیک - سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما در تمامی عرصه‌های ملی و بین‌المللی و چراغ راهنمای مبارزات طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن در راه استقرار جمهوری دموکراتیک خلق در میهن ماست.

اعضاء و هواداران سازمان موظفند در هر آنجا که جنبش توده‌ها و بویژه جنبش طبقه کارگر علیه ستم و اختناق حکومت جمهوری اسلامی جاری است طرح برنامه سازمان را به هر شکل و وسیله ممکن تبلیغ و توزیع نمایند. انجام پیگیری این وظیفه یکی از شرایط موفقیت ما در امر تبلیغ اهداف استراتژیک سازمان در میان طبقه کارگر و توده‌ها و سازماندهی مبارزه انقلابی در راه تحقق این اهداف است.

اعضاء و هواداران سازمان برای پیشبرد این وظیفه باید هر چه عمیق‌تر به جوهره انقلابی طرح برنامه تجهیز کردند. ضمناً از آنجا که مقدمه چاپ جدید فاقد توضیح زیر است توجه خوانندگان طرح برنامه را به این نکته جلب می‌نمائیم که در تجدید چاپ طرح برنامه، در سخن از "هدف مقدم سازمان" جنبه نفی این هدف نیز به جنبه اثباتی آن که استقرار "دموکراسی خلقی است" اضافه شده است. بشکل زیر

سرنوشتی جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی خلقی هدف مقدم مبارزه طبقه کارگر ایران است."

کمک مالی

به سازمان فدائیان خلق ایران

یک وظیفه انقلابی است

کدهای مالی خود را به حساب زیر واریز کنید

BANQUE C.L
N°: 85894 J
Mme FERESHTEH. F
AGENCE 461
PARIS FRANCE

پیش بسوی تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران